

بررسی زندگی امام کاظم (ع) در متون کهن فارسی (تا قبل از دوران صفویه)

فاطمه سادات زکی

پژوهش در مورد معصومان (علیهم السلام)، از دیرباز رایج بوده است اما با توجه به نیاز جامعه به ویژه نسل جوان به تحقیقات جدید و به روز و در عین حال جامع در این زمینه، باید در جهت کشف زوایای پنهان زندگی ایشان گام برداریم. بررسی متون کهن فارسی به ویژه متونی که به سده‌های نخستین اسلام نزدیک‌ترند و مقایسه داده‌های آن‌ها می‌تواند یکی از راه‌های رسیدن به این مهم باشد.

در این پژوهش، زندگی امام کاظم (ع) نه تنها در متون تاریخی، بلکه در همه متون کهن فارسی قبل از دوران صفویه، اعم از تاریخی، انساب، جغرافیایی، کلامی و غیره بررسی شده است. اطلاعات به‌دست آمده نیز با هم مقایسه گردیده و روایات مشهور در جنبه‌های مختلف مانند تاریخ تولد و شهادت، مدفن، نام و کنیه، نحوه شهادت و ... عرضه شده است. البته تکمیل این پژوهش در فرصتی مناسب و مقایسه اطلاعات متون کهن فارسی با متون کهن عربی می‌تواند مفید باشد. واژگان کلیدی: امام کاظم (ع)، متون کهن فارسی، امامت، شیعیان، امامان شیعه، اهل سنت.

ص: ۲۹۶

اصل امامت، دارای جایگاه خاصی در مکتب تشیع است. شیعیان امامت را یکی از اصول دین می‌دانند و در واقع مهم‌ترین نقطه تمایز شیعه از سایر مسلمین نیز همین امر است. بنابراین شناخت امامان در مکتب تشیع ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که با معتقدات شیعیان ارتباط مستقیم دارد.

تلاش‌های پژوهش‌گران و نویسندگان شیعه، در جهت شناساندن بیش از پیش معصومان به ویژه در سده اخیر، محرز و قابل تحسین است؛ اما نیاز روزافزون جامعه و به ویژه جوانان، می‌تواند انگیزه‌ای برای انجام دادن کارهای جدید، جامع و متناسب با زمان باشد.

یکی از زمینه‌های پژوهش که تاکنون توجه چندانی به آن نشده، بررسی زندگی معصومان در متون کهن فارسی است. ائمه‌نگاری در زبان فارسی، بسی دیرتر از زبان عربی (حدود قرن ۴ ق) آغاز شد، با وجود این، نزدیکی نسبی این متون به زمان ائمه (علیهم السلام) می‌تواند در به ثمر رساندن پژوهش‌های جدید مهم باشد.

زوایایی از زندگی امام کاظم (ع) به علل مختلفی بر ما مخفی مانده است. از جمله این که گسترش تشیع در این زمان، باعث شد تا دستگاه خلافت احساس خطر بیش‌تری کرده، حضرت را زیر فشار و نظارت شدید قرار دهد. به همین جهت، آن حضرت سال‌های زیادی از عمر خود را در زندان به سر بردند.

تقیه امام نیز که به منظور حفظ تشیع انجام می‌گرفت، عاملی مهم در مخفی ماندن قسمت‌هایی از زندگانی ایشان است. از سوی دیگر، متون کهن فارسی هم بیش‌تر در موضوع تاریخ‌های عمومی یا محلی هستند و به مقتضای موضوعشان، به

صورت موجز و مختصر به زندگی امامان پرداخته‌اند. بنا به آنچه گفته شد اطلاعات به دست آمده از این پژوهش چندان وسیع و فراگیر نخواهد بود اما اگر باعث روشن شدن گوشه‌ای کوچک از زندگانی امام کاظم (ع) شود ارزشمند است.

ص: ۲۹۷

متونی بسیاری به زندگی امام کاظم (ع) پرداخته‌اند اما با قیود زبان و زمان؛ یعنی شرح زندگی آن حضرت در متون فارسی تا آغاز دوران صفویه، در هجده کتاب یافت شد. نخستین آن‌ها متعلق به نیمه دوم قرن چهارم و آخرین آن‌ها متعلق به قرن دهم هجری است. این متون در موضوعات مختلف تدوین شده‌اند: تاریخ‌های عمومی مانند تاریخ‌نامه طبری، تاریخ محلی مانند تاریخ قم، جغرافیا مانند نزه‌القلوب، انساب مانند الفصول الفخریه و کتبی با موضوع امامت و ولایت مانند نزه‌الکرام و بستان‌العوام و کتاب‌هایی که مختص معصومان تدوین شده‌اند مانند مناقب‌الطاهرین و نیز راحه‌الارواح.

در این فصل به ترتیب، به معرفی متون کهن فارسی می‌پردازیم که در آن‌ها به زندگی امام کاظم (ع) اشاره شده است.

۱. تاریخ‌نامه طبری (۳۵۲ ق)

این کتاب ترجمه یکی از معروف‌ترین تاریخ‌های عمومی جهان و اسلام با عنوان اخبارالامم والملوک یا تاریخ‌الرسال والملوک است که محمدبن جریر طبری (متولد ۲۲۴ ق) آن را به رشته تحریر درآورد و در سال ۳۵۲ قمری ۱ ابوعلی بلعمی وزیر امیرمنصور سامانی آن را به فارسی ترجمه کرد و تاریخ‌نامه طبری نام گرفت. ۲. این کتاب در چاپ جدید، در پنج جلد تنظیم شده است: در جلد اول، پس از مختصر بحث‌های فلسفی در جرایب و چگونگی خلقت، به زندگی پیامبران الهی

ص: ۲۹۸

پرداخته و با خبر فرمان‌روایان عجم قبل از ظهور اسلام ادامه می‌یابد. جلد دوم، شرح زندگی پیامبر گرامی اسلام (ص) از هنگام تولد و نیز حکومت‌های مقارن تولد آن حضرت در ایران و سایر بلاد است. جلد سوم، به زندگی پیامبر (ص) پس از رسالت تا رحلت ایشان و خلفای راشدین پرداخته است. جلد چهارم، به خلفای بنی امیه و سپس بنی عباس اختصاص دارد و با شرح زندگی المسترشد عباسی خاتمه می‌یابد. جلد پنجم نیز به تفصیل و مقابله نسخ مختلف کتاب پرداخته است.

نویسنده کتاب در آن‌جا که از مهدی عباسی و سیره و روش وی یاد می‌کند، به ذکر خاطره‌ای از ربیع، حاجب مهدی عباسی می‌پردازد. داستان از این قرار است که در زمان مهدی عباسی، پس از چند روزی که امام کاظم (ع) به جرم دعوی امامت محبوس بودند، در نیمه شب، زمانی که مهدی برای عبادت و تهجد بر می‌خیزد، در حین قرائت قرآن به آیه‌ای بر می‌خورد که در آن خداوند کسانی را که قطع رحم کرده‌اند توبیخ و لعن فرموده است. بنابراین به شدت منقلب

۱. تاریخ‌نامه طبری، با تصحیح محمد روشن، مقدمه مصحح، ص ۱۲.

۲. نکته جالب توجه این که مصحح این اثر، معتقد است که تاریخ‌نامه طبری فقط زیر نظر ابوعلی بلعمی و نه توسط خود وی ترجمه و تنظیم شده است. بلکه سه نفر یا سه گروه به این کار اشتغال داشته‌اند. نک: مقدمه مصحح.

شده، اشک از دیدگانش جاری می‌گردد و در همان نیمه شب با احضار امام (ع) از آن حضرت پیمان بر عدم خروج بر خودش را می‌گیرد و حضرت را در حضور ربیع حاجب، آزاد می‌کند.^۳

۲. رساله خوارزمی ۴ (قرن ۴ ق)

نویسنده این رساله ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی (۳۲۳-۳۸۳ ق) ادیب، نویسنده و شاعر توانای شیعه در قرن چهارم است. این رساله نسبتاً طولانی، نه تنها یک متن زیبای ادبی، بلکه نامه‌ای تاریخی-سیاسی است که خوارزمی آن

ص: ۲۹۹

را در پی انتصاب فردی با گذشته آکنده از ظلم و جور به ولایت منطقه شیعه‌نشین نیشابور، به رشته تحریر درآورده است. شرح‌هایی که بر آن نوشته شده، گویای ارزش تاریخی رساله است. خوارزمی در این نامه، بر مصائبی که بر ائمه شیعه و پیروان آن رفته، مروری غمناک دارد. وی در مورد امام کاظم (ع) نیز با اشاره‌ای بسیار کوتاه، به شهادت آن حضرت می‌پردازد:

... موسی کاظم (ع) در زندان به شهادت رسید^۵

۳. مجمل‌التواریخ و القصص (سده ۵-۶ ق)

نویسنده این کتاب نامشخص است؛ فقط یک‌جا نویسنده از جد خود به نام مهلب بن شادی یاد کرده و به همین جهت با عنوان نواده مهلب بن شادی خوانده می‌شود. تاریخ دقیق کتاب هم مشخص نیست اما با توجه به فراین، صاحبان فن آن را متعلق به سده‌های پنجم و ششم هجری می‌دانند. از بیان نویسنده در مورد هدف نگارش کتاب، می‌توان دریافت که وی قصد داشته به شرح اخبار ملوک عجم بپردازد. این مهلب در باب بیست و دوم، بعد از آن که از خلفای اسلامی مانند بنی‌امیه و بنی‌عباس یاد می‌کند، به ذکر شمه‌ای از زندگانی فرزندان علی بن ابی طالب (ع) می‌پردازد. هر چند نویسنده شیعه‌مذهب نبوده، امام علی (ع) و سایر امامان شیعه را به نیکی و احترام یاد کرده است. آن چه را مربوط به امام کاظم (ع) است، به دلیل اختصار عیناً می‌آوریم:

ذکر موسی بن جعفر (ع):

کنیت او ابوالحسن و اباابراهیم نیز روایت است و لقب او العبدالصالح و کاظم نیز گویند و این معروف است. مادرش حمیده بنت الصاعد البربری. او را زهر دادند و کشته شد به بغداد اندر سینه ست و ثمانین و مائه. و چنین خواندم

ص: ۳۰۰

۳. تاریخنامه طبری، ج ۴، ص ۱۱۶۷-۱۱۶۸.

۴. تصحیح محمد مهدی پورگل، ص ۴۶۹-۵۳۰ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴، این رساله آخرین نامه در دیوان خوارزمی است.

۵. همان، ص ۴۷۲.

که رشید هارون معدلان به ری فرستاد که گواه گیرد به املاکی. پس موسی گفت: "یا فلان بن فلان" و همه را نام ببرد: "امروز زهر خورده‌ام فردا سرخ گردم و پس فردا زرد و باز سیاه و اندران بمیرم." و هم‌چنان بود. پس او را به جانب غربی بغداد دفن کردند، آن‌جا که اکنون به بغداد مقابر قریش خوانند. و عمر او ۵۴ سال بود. فرزندان: علی، ابراهیم، عقیل، هارون، الحسن و الحسین، عبدالله، اسماعیل، عبیدالله، محمد، احمد، جعفر، یحیی، اسحاق، عباس، حمزه، عبدالرحمن، القاسم، جعفر، زید؛ و دختران: خدیجه، ام فروه، ام اسماء، علیه، فاطمه، فاطمه، فاطمه، ام‌کلثوم، ام‌کلثوم، ام‌عبدالله، زینب، ام‌القاسم، حلیمه، اسما، محموده، امامه، میمونه. جملت بیست پسر و هجده دختر خداوند تعالی او را داده بود- و السلام. ۶

نکات:

- کنیه: اباالحسن و اباابراهیم
- لقب: کاظم و عبد صالح
- مادر: حمیده بنت صاعد بربری
- چگونگی شهادت: تصریح به این که امام به وسیله زهر مسموم شدند به شهادت رسیدند.
- سال شهادت: ۱۸۷ قمری
- معجزه حضرت: حضرت قبل از شهادت، از حالات خود و چگونگی شهادتش در آینده خبر دادند؛ علاوه بر این که افراد ناشناس را به نام و نام پدرشان خواندند.
- مدت عمر: ۵۴ سال
- محل دفن: در مقابر قریش در جانب غربی بغداد
- تعداد فرزندان: ۳۸ تن؛ بیست پسر و هیجده دختر
- ص: ۳۰۱

۴. نزهه الکرام و بستان‌العوام ۷ (قرن ۶-۷ ق)

جمال‌الدین مرتضی محمد بن حسین رازی، این کتاب را در اثبات امامت و ولایت امامان (ع) نوشت. با توجه به موضوع کتاب، شرح حال ائمه (علیهم السلام) مورد نظر نویسنده نبوده، هر چند گاه به برخی مطالب اشاره کرده است. مطالب کتاب درباره امام کاظم (ع) عبارتند از:

- روایاتی از پیامبر (ص) که نام امامان (ع) ذکر شده؛ از جمله:

۶. مجمل التواریخ و القصص، تصحیح نجم‌الدین سیف‌آبادی، ص ۳۵۳.

۷. جمال‌الدین مرتضی محمد بن حسین رازی، تصحیح محمد شیروانی، چاپخانه میهن، ۱۳۶۲.

... امام بعد از او آن که خلاف کنند در دفنش هم نام موسی عمران، موسی بن جعفر است، به زهر کشته شود؛ در حبس، مدفنش زورا بود یعنی بغداد^۸.

- آوردن روایتی در ماجرای ازدواج امام صادق (ع) با حمیده بربریه و تولد امام کاظم (ع) از این مادر؛

- اثبات امامت آن حضرت پس از امام صادق (ع) و سؤالاتی که از امام پرسیده شد^۹.

نویسنده در باب پنجاه و سوم کتاب با عنوان «در ذکر معجزات کاظم (ع)» معجزات ذیل را از ایشان نقل کرده است:

- زنده کردن گاو بیوه‌زن، بلعیده شدن ساحر توسط نقش روی پرده به دستور آن حضرت، سخن گفتن در مهد، خبر دادن از زمان مرگ افراد، خبر از اندیشه مردم، داستان شیطه و حاضر شدن بر جنازه وی با وجود دوری مسافت، سؤال و جواب ابوحنیفه از امام کاظم (ع) در دوران کودکی ایشان، سؤالات هارون و پاسخ آن حضرت.

- شهادت: هارون امام را به سندی سپرد و او حضرت را مسموم کرد و به شهادت رساند.

ص: ۳۰۲

۵. تاریخ طبرستان ۱۰ (۶۱۳ ق)

بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب این کتاب را در سال ۶۱۳ قمری به رشته تحریر درآورد. این کتاب در زمره اولین تاریخ‌های محلی طبرستان به حساب می‌آید. و مورد استناد اولیاءالله آملی و سیدظہیر الدین در تواریخشان است.

در این کتاب به دو داستان درمورد امام کاظم (ع) اشاره شده که هر دو را آملی در تاریخ رویان آورده است. اول مربوط به زمانی است که نایب مهدی عباسی پس از درهم شکستن قیام فخر، در مجلسی به سرزنش علویانی پرداخت که در این قیام شرکت داشتند، پرداخته و از آن‌ها خواست مانند امام کاظم (ع) که با دارا بودن نهایت فضل و زهد و شرف و ورع از این امور فاصله گرفتند، خاموش بنشینند و از خروج علیه خلیفه خودداری نمایند. ۱۱ عبدالله بن حسن عموزاده امام و یکی از شرکت‌کنندگان در قیام فخر، در پاسخ به نایب خلیفه بالبداهه ایباتی زیبا خواند و باعث شگفتی حاضران در جلسه شد. مضمون این اشعار چنین است:

آنان که مدحشان می کنی و فضایلشان را می خوانی، بقیه آبا و اجداد و پسر عموهای منند و عموای ایشان پدر من است. پس اگر تو مدح ایشان کنی، ما تو را بدان تصدیق کنیم و باور داریم چه در آن شکی نیست، ولی اگر مدح پدر خود گویی، تو را بدان تکذیب می‌کنیم و به دروغ داریم و بر هر یکی صد اعتراض آریم.

دوم، خاطره‌ای است که مأمون از دیدار پدرش هارون با امام کاظم (ع) در مدینه نقل کرده و خلاصه آن چنین است:

۸. همان، ج ۲، ص ۴۱۳.

۹. همان، ص ۶۹۶-۷۶۴.

۱۰. بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

۱۱. همان، ص ۱۸۱-۱۸۲.

در یکی از سال ها که هارون برای گزاردن حج به سمت مکه به راه افتاد،

ص: ۳۰۳

وقتی به مدینه رسید بار عام داد و از هر قشری به دیدار وی می آمدند. تا آن که روزی حاجب خیر داد که موسی بن جعفر (علیهما السلام) به دیدار هارون آمده است. تواضع و احترام وافری که مأمون از پدرش در مقابل امام مشاهده کرد، وی را شگفت زده نمود و وقتی از هارون درباره امام پرسید، او گفت: «این امام مردم است در حالی که ما فقط امام جماعتیم آن هم با قهر و غلبه.» ۱۲

در خلال این داستان، اطلاعاتی از زندگی امام (ع) عرضه شده، از جمله:

- مأمون، امام کاظم (ع) را پیرمردی می بیند که از شدت عبادت زرد و رنجور شده است؛

- هارون امام را گاه به ابوالحسن و گاه به ابوابراهیم لقب می دهد؛

- حضرت کاظم (ع) مأمون را به خلافت بعد از پدرش بشارت می دهد؛

- ترس هارون از قیام امام و شیعیان آن حضرت: هارون بر خلاف تواضع بسیاری که در مقابل امام از خود نشان می داد فقط دویست دینار برای ایشان فرستاد و در پاسخ به مأمون که از علت آن جو یا شد، گفت: «اگر بیش تر از این دهم، چه ضمانتی وجود دارد که فردا با صد هزار از شیعیان و موالیان خود که مسلح به شمشیرند، بر من خروج نکند. فقر او و شیعیانش برای سلامت ما بهتر است!»

آثار عمادالدین حسن بن علی طبری

حسن بن علی طبری (۶۲۹-۶۹۸ ق)، یکی از بزرگان علمای شیعه در قرن هفتم هجری است. وی از معاصران محقق حلی و نیز خواجه نصیرالدین طوسی به شمار می آمد و در علوم مختلف فقه، حدیث و اصول دین تبحر داشت. عمادالدین در اثبات ولایت و امامت علی (ع) و معرفی و شناساندن مکتب

ص: ۳۰۴

اهل بیت (علیهم السلام) تلاش بسیار کرد و برای مناظره و مباحث علمی به مناطق مختلف ایران چون طبرستان، ری، قم، بروجرد و اصفهان سفرها نمود و کتاب هایی در این زمینه نگاشت مانند مناقب الطاهرین، کامل بهایی یا احوال السقیفه، تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار، الاصول فی امامه آل الرسول، اسرار الامامه، معجزات النبی و الائمه (علیهم السلام). ۱۳. تالیفات طبری به فارسی و عربی است. آثار وی به فارسی عبارتند از:

۱۲. اصل این داستان در تاریخ طبرستان، ص ۲۰۲-۲۰۳ آمده است.

۱۳. تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار، تصحیح سیدمهدی جهرمی، نشر میراث مکتوب، مقدمه مصحح، ص ۱۸۰-۱۸۱. نیز نک: شیخ عباس قمی، الفوائد الرضویه، تصحیح ناصر باقری بیدهندی، ص ۲۰۰-۲۰۱، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

موضوع کتاب، شرح زندگانی و اثبات امامت و ولایت جهاده معصوم است و بخش عمده‌ای به معجزات ایشان اختصاص دارد. آنچه مربوط به امام کاظم (ع) است در سه بخش عرضه گردیده: اول، دلایل امامت آن حضرت، دوم، فرزندان حضرت و تعداد آن‌ها و سوم، معجزات ایشان.

مطالب این کتاب به اختصار عبارتند از:

- تولد: ابواء در سال ۱۲۸ ق

- شهادت: به دست سندی بن شاهک در سال ۱۸۳ ق

- عمر ۵۵ سال

- مادر حمیده مصفاه

- کنیه: ابوالحسن، ابوابراهیم، ابوعلی.

- لقب: عبد صالح، کاظم

- حالات ایشان به هنگام تولد و سخن گفتن ایشان در آن زمان

- مدفن: مقابر قریش

ص: ۳۰۵

- موضوع تشکیل اسماعیلیه و این‌که عده‌ای معتقد شدند اسماعیل نمرده و امام صادق (ع) بر وی نص کرده‌اند.

- شعب شیعه: ناووسیه، افطحیه، اسماعیلیه، قرامطه

- نصوص رسیده از امام صادق (ع) بر امامت امام کاظم (ع)

- نقل این جریان که سندی بن شاهک پس از مسموم ساختن امام کاظم (ع) هشتاد نفر از اعیان را جمع کرد که به آن‌ها نشان دهد جایگاه امام خوب و مورد احترام است و اکنون حضرت به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود. اما امام به سخن آمدند و فرمودند: «اینان مرا به خرما مسموم ساخته‌اند و به زودی خواهم مرد» و سندی به لرزه درآمد.

- روایتی دیگر در شهادت ایشان: شیعیان معتقدند که یحیی بن خالد به وسیله خرما و ریحان مسموم، آن حضرت را به شهادت رساند و به دشمنی‌های یحیی بن خالد با امام اشاره کرده است.

- معجزات آن حضرت:

* نقل از علی بن یقظین در این که هارون می خواست امام را خجل گرداند، به ساحری دستور داد که بر نان طلسمی بخواند که هر وقت امام می خواست دست به سوی نام ببرد، گرده نان از پیش او می پرید و هارون و دیگران می خندیدند. امام در خشم شدند و به صورت حیوانی که بر پرده ای کشیده شده بود، دستور دادند که ساحر را بگیرد. صورت در همان لحظه به صورت شیری درنده ظاهر شد و ساحر را بلعید؛

* سخن گفتن در مهد با یکی از یاران امام صادق (ع)؛

* خبر دادن از مرگ افراد؛

* خبر دادن از افکار و نیات مردم؛

* حفظ جان شیعیان در مقابل هارون؛

ص: ۳۰۶

* این که شیری به خدمت حضرت آمد و از ایشان خواست که دعا کند تا حمل بر جفتش آسان گردد؛

* خبر دادن از مقدار اموالی که شیعیان برای آن حضرت فرستاده بودند؛

* داستان شطیطه و حاضر شدن در مرگ این بانو و نماز خواندن بر وی با وجود دوری مسافت؛

* پاسخ به سؤالات مردم بدون خواندن نامه های ایشان؛

* زنده کردن گاو بیوه زن.

- سخن از فضل بن ربیع زندان بان حضرت درباره عبادت طولانی ایشان که بدون وقفه و بدون نیاز به تجدید وضو در تمام شبانه روز ادامه می یافت. صبر و تحمل حضرت در مقابل آزارهای یکی از اولاد عمر بن خطاب در مدینه. هارون با این بیان که ایشان از رهبانان بنی هاشم هستند، حضرت را توصیف کرد.

- نقل روایتی دیگر در شهادت حضرت: فضل بن یحیی برمکی به حضرت زهر داد.

- نقل روایتی دیگر در شهادت حضرت: هارون شنید مردم او را امام خود می دانند، لذا بیست عدد خرمای زهر آلود برای آن حضرت فرستاد و حضرت را سوگند داد که آن ها را خودش بخورد و به این وسیله ایشان را به شهادت رساند.

- سؤالات هارون از امام و پاسخ های آن حضرت.

- تعداد فرزندان: ۳۷ فرزند و ذکر ویژگی های فرزندان.

۷. تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار ۱۵

این کتاب، تاریخ کلامی است که طبری آن را در ده باب تنظیم کرد. وی در باب چهارم به ذکر نسب نبی (ص)، فاطمه (علیها السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام)، موالید، و مدافن ایشان پرداخته است.

ص: ۳۰۷

بر خلاف کتاب مناقب الطاهرین که در آن بیش از پنجاه صفحه به امام کاظم (ع) اختصاص یافته، طبری در این کتاب به اختصار به آن حضرت پرداخته است:

ولادت موسی (ع) در مدینه بود در سنه ثمان و عشرين و مائه و شهید درگذشت در بغداد به زهر سندی بن شاهک به اشارت هارون - علیه اللعنه - هفتم رجب سنه ثلاث و ثمانین و مائه، و عمر او ۵۹ سال بود و مادر او ام‌الولد بود حمیده بربریه نام او، و مدت خلافت او ۳۵ سال بود و اولاد او ۳۸ تن بودند. اما امام، علی بن موسی الرضا بود و قبر وی در بغداد است. ۱۶

نکات:

- سال تولد: ۱۲۸ قمری

- نام مادر: حمیده بربریه

- شهادت: هفتم رجب سال ۱۸۳ قمری در بغداد به زهر سندی و دستور هارون و مدفن ایشان در بغداد

- مدت عمر: ۵۹ سال

- مدت امامت: ۳۵ سال

- تعداد فرزندان: ۳۸ نفر

۸. تاریخ محمدی (۷۰۸ ق) ۱۷

این کتاب منظوم، به مولانا شیخ حسن کاشی تعلق دارد و به نام های تاریخ دوازده امام یا تاریخ رشیدی و نیز تاریخ الاولاد الحضرت المصطفی خوانده شده است. وی از عالمان زمان اولجایتو و یکی از پرچم‌داران مکتب

ص: ۳۰۸

تشیع در قرن هشتم هجری به شمار می‌آید.

همان گونه که از نام کتاب پیداست شیخ حسن سعی کرده تاریخ امامان دوازده گانه شیعه را به شعر درآورد. وی هر چند به سروده هایش نام تاریخ داده، از معرفی اجمالی امامان (ع) فراتر نرفته و از شرح زندگی ایشان خبری نیست. آن چه در مورد امام کاظم (ع) به شعر درآورده، موارد ذیل است:

- نام: موسی

- القاب: عبد صالح و کاظم

- کنیه: ابوالحسن

- تاریخ ولادت: نهم جمادی الثانی سال ۱۲۸ قمری.

- محل تولد: منطقه ای بین دو شهر به نام ابواء

- مادر: حمیده بربریه

- تعداد فرزندان: ۳۷ فرزند شامل علی الرضا، ابراهیم، قاسم، عباس، حمزه، محمد، احمد، اسماعیل، عبیدالله، اسحاق، هارون، حسن، فضل، جعفر، سلیمان، زید، دختران: رقیه، فاطمه، کلثوم (از هر کدام صغری و کبری) عایشه لبابه، میمونه، زینب، خدیجه، ام سلمه و بریهه.

- نقش انگشتی: العزه لله الجميع

- مدت عمر: ۵۴ سال

- مدت امامت: ۳۵ سال

- خلفای هم عصر: منصور، مهدی، هادی و هارون

- شهادت: سال ۱۸۸ قمری روز چهارشنبه دهم ماه رجب در زندان سندی بن شاهک به وسیله زهر

- مدفن: دارالسلام بغداد در مقابر قریش

ص: ۳۰۹

۹. تاریخ بناکتی (۷۱۷ ق) ۱۸

نام اصلی این کتاب روضه اولی الالباب فی معرفه التاریخ و الانساب است که ابوسلیمان داوود بن ابوالفضل بناکتی در سال ۷۱۷ قمری آن را نگاشت. او یکی از ادیبان و شاعران دربار ایلخانی بود. موضوع کتاب تاریخ عمومی عالم از خلقت حضرت آدم تا دوران ابوسعید ایلخان مغول است. بناکتی کتاب را در نه قسم تنظیم نمود که در قسم سوم آن پس

از بیان نسب و زندگانی پیامبر گرامی اسلام (ص) به ذکر خلفای راشدین و سپس ائمه معصومین (علیهم السلام) پرداخته است. وی در مورد امام کاظم (ع) و البته سایر امامان، به آوردن گزارشی کوتاه بسنده کرده که در ذیل می‌آید:

الامام ابوالبراهیم موسی بن جعفر روز یکشنبه و گویند سه‌شنبه هشتم ماه صفر سنه ثمان و عشرين و مائه در ابواء، موضعی است میان مکه و مدینه، در وجود آمد و پنجاه و یک سال و پنج ماه و هفده روز بزیست و در عهد هارون الرشید، روز آدینه بیست و پنجم ماه رجب سنه ثلاث و ثمانین و مائه در بغداد وفات یافت، و او را سی و هفت فرزند بود: هجده پسر و نوزده دختر. پسران: علی، ابراهیم، عباس، قاسم، اسماعیل، جعفر، هارون، حسن، احمد، محمد، حمزه، عبدالله، اسحاق، عبیدالله، زید، حسن الاصغر، فضل و سلیمان. دختران: فاطمه الکبری، فاطمه الصغری، رقیه، حکیمه، رقیه الصغری، ام ابنها کلثم، ام جعفر، لبابه، زینب، خدیجه، علیّه، آمنه، حسنه، بریهه، عایشه، ام سلمه، میمونه و ام کلثوم. ابراهیم را جزّار می‌گفتند یعنی قصاب، جهت آن‌که خون بسیار بریخت، و زید را زیدالنار گفتندی، جهت آن‌که چون ملک بصره شد، خانه‌های عباسیان را بسوخت و نسل او در قیروان مغرب و شیراز

ص: ۳۱۰

می‌باشند و مجموع برادران و فرزندان در مصر و مدینه و موصل و بغداد و عراق عجم و شیراز و اهواز و دامغان و خراسان مقیمند ۱۹.»

آن گونه که از قراین بر می‌آید بناکتی شیعه نیست و مطالب کتاب عبارتند از:

تولد: در ۱۲۸ قمری در ابواء در هشتم صفر، روز یکشنبه یا سه‌شنبه

طول عمر: ۵۱ سال و ۵ ماه و ۱۷ روز

رحلت: سال ۱۸۳ قمری در جمعه ۲۵ رجب در بغداد در زمان هارون

وی قائل به شهادت حضرت نیست

تعداد فرزندان: ۳۷ فرزند؛ هیجده پسر و نوزده دختر که نام همه را آورده

بناکتی کتاب جامع‌التواریخ رشیدی را عمده‌ترین منبع خود می‌داند ۲۰ اما مانند اکثر نویسندگان فارسی زبان هم عصرش، سند هر مطلب را به طور مشخص نیاورده و این از نقاط ضعف کتاب محسوب می‌شود.

آثار حمدالله مستوفی

حمدالله بن ابی بکر، که به دلیل شغل موروثی و خانوادگی‌اش یعنی استیفا، به مستوفی شهرت داشت. وی در زمره خواص فضلالی دستگاه خواجه فضل‌الله بود. از او سه اثر به زبان فارسی در دست است: تاریخ گزیده، ظفرنامه در تاریخ اسلام و ایران و نزهه القلوب در علم جغرافیا و عجایب عالم.

۱۹. همان، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۲۰. همان، مقدمه مصحح، ص ۱۴.

حمدالله سنی و شافعی مذهب بود و مانند بسیاری از علمای اهل سنت، امامان دوازده‌گانه شیعه را محترم می‌داشت. اما اعتقاد ویژه او نسبت به امامان (ع) جالب توجه است. وی مانند شیعیان، امامان را حجت خدا بر خلق، معصوم و نیز شایسته جانشینی رسول (ص) می‌داند. هر چند به آن دست نیافته‌اند. وی در تاریخ

ص: ۳۱۱

گزیده هنگام شرح زندگانی امامان می‌گوید:

فصل سیوم از باب سیوم در ذکر تمامی ائمه معصومین رضوان الله علیهم اجمعین - که حجة الحق علی الخلق بودند، مدت اقامتشان از رابع صفر سنه تسع و اربعین تا رمضان سنه اربع و ستین و مأتین دویست و پانزده سال و هفت ماه. ائمه معصوم اگرچه خلافت نکردند، اما چون مستحق، ایشان بودند، تبرک را از احوال ایشان، شمه‌ای بر سبیل ایجاز ایراد می‌رود. ۲۱

نیز در ظفرنامه که اثری منظوم در تاریخ اسلام است، ارادت قلبی خود را به امام علی (ع) و نیز سایر امامان (ع) آشکار ساخته و مقام عصمت آنان را یادآور شده است. وی در مقدمه، پس از مدح خلفای راشدین آورده است:

...که دارند شهرت دوازده امام همه بوده معصوم چون باب و مام ۲۲

۱۰. تاریخ گزیده (۷۳۰ ق)

این کتاب از منابع مهم فارسی در تاریخ ایران‌زمین به حساب می‌آید. تاریخ نگارش آن را سال ۷۳۰ قمری می‌دانند. نویسنده، کتاب را با ذکر چگونگی آفرینش جهان آغاز کرده و در ادامه به شرح زندگی پیامبران از حضرت آدم تا پیامبر گرامی اسلام (ص) پرداخته و سپس آن را با شرح حال بزرگان، اولیا، وزرا و پادشاهان ایران‌زمین تا زمان خودش که مصادف با دوران ایلخانی ابوسعید بهادرخان است، به پایان می‌رساند.

وی در ابتدا، منابع خود را نام برده و چون کتاب خود را گزیده‌ای از آن‌ها می‌داند، نام تاریخ گزیده بر آن نهاده است. اما در هر بخش، منابع خود را جداگانه مشخص نکرده است.

ص: ۳۱۲

تاریخ گزیده در شش باب و هر باب در چندین فصل تنظیم شده است: باب اول در ذکر پیامبران؛ باب دوم در ذکر پادشاهان پیش از اسلام؛ باب سوم ذکر پیامبر گرامی اسلام (ص) خلفا، اولاد و اصحاب آن حضرت؛ باب چهارم در ذکر پادشاهان پس از اسلام؛ باب پنجم در ذکر والیان شهرها و قراء و باب ششم در ذکر زادگاه مستوفی شهر قزوین.

وی در فصل سوم از باب سوم، پس از شرح سیره پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین، به زندگانی امامان دوازده‌گانه شیعه پرداخته است. وی در مورد امام کاظم (ع) می‌گوید:

الکاظم

موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی المرتضی، هفتم امام است. اما اسماعیلیان، امام هفتم اسماعیل را می‌دانند و بر او ختم کنند. بدین سبب ایشان را [سبعیان] خوانند. موسی کاظم، سی و چهار سال و شش ماه و بیست و یک روز امام بود و از ائمه اثنا عشر هیچ‌کس را زمان امامت چندین نیست. ولادتش روز یکشنبه نهم صفر سنه ثمان و عشرين و مائه بود به مدینه. پنجاه و پنج سال و پنج روز عمر یافت. چون سالش به قرب بیست و چهار رسید، رضا به وجود آمد. چون در روز آدینه چهاردهم صفر سنه ثلاث و ثمانین و مایه به بغداد درگذشت، رضا سی و سه ساله بود. او را به محله کرخ بغداد دفن کردند و مشهد او را [عمادالدوله دیلم] عمارت عالی ساخت. شیعه گویند به فرمان هارون الرشید، او را، سرب در حلق گذاشتند. ۲۳

مطالب تاریخ گزیده در مورد زندگانی امام کاظم (ع) عبارتند از:

- اشاره به موضوع شکل‌گیری اسماعیلیه در زمان امام موسی کاظم (ع)

ص: ۳۱۳

- تولد: مدینه در سال ۱۲۸ قمری یکشنبه ۹ صفر

- وفات: ۱۸۳ قمری جمعه ۱۴ صفر

- محل دفن: محله کرخ بغداد

- طول عمر: ۵۵ سال و ۵ روز

- مدت امامت: در بیست سالگی به امامت رسیدند و ۳۴ سال و ۶ ماه و ۲۱ روز امامت نمودند.

- در ۲۴ سالگی فرزندشان امام رضا (ع) متولد شد و ایشان به هنگام وفات امام کاظم (ع)، فرزندش امام رضا (ع) ۳۳ ساله بودند.

- شهادت: به اعتقاد شیعه هارون با ریختن سرب مذاب در حلق، حضرت را به شهادت رساند.

- تعداد فرزندان: ۳۱ پسر و ۱۶ دختر

- نام برخی از فرزندان: علی‌الرضا، ابراهیم عقیل، هارون، حسن، حسین، عبدالله، اسماعیل و عبیدالله، محمد و احمد، عبدالله، جعفر، یحیی، عباس، حمزه، عبدالرحمن، قاسم، جعفر الاصغر، زید و محسن معروف به زاهد محسن، ابوالخیر،

طاهر و مطهر. دختران ایشان: ستی فاطمه که در قم مدفون است، خدیجه، فاطمه کبرا، فاطمه صغرا، زینب، حلیمه، اسما، محموده، امامه، میمونه، اماسماعیل، امکلثوم کبرا، امکلثوم صغرا، امعبدالرحمان، امعبدالله، ام فروه و ام قاسم.

۱۱. ظفرنامه

ظفرنامه کتابی منظوم به زبان فارسی و در واقع تقلیدی از شاهنامه فردوسی است. قسم اسلامی آن، تاریخ اسلام از زمان پیامبر اکرم (ص) تا زمان خود نویسنده یعنی سده هشتم قمری را شامل می شود. مستوفی پس از پرداختن به خلفای راشدین به شرح حال خلفای بنی امیه و سپس بنی عباس می پردازد و ذیل حوادث

ص: ۳۱۴

زمان هارون الرشید عباسی با عنوان «وفات امام معصوم موسی کاظم - رضی الله عنه» به اختصار به آن حضرت اشاره ای دارد:

وفات امام معصوم موسی کاظم - رضی الله عنه

چو بر صد فزون گشت هشتاد و سه	فرو رفت ناگه آن مرد مه
به گوهر سر تخمه مصطفی	به دانش بهین وارث انبیا
که موسی بدش نام و کاظم لقب	هواخواه او هم عرب هم عجم
سه هفته ز ماه صفر رفته روز	به آدینه بگذشت با آه و سوز
بدش عمر پنجاه و پنج آن زمان	که بر وی برآمد به گیتی رمان
بود هفتمین از دوازده امام	که بر یک به یک صد هزاران سلام
برآند شیعه که هارون بر او	سرآورد گیتی و شد کینه جو
گذارند در حلق او سرب خوار	وزین و وزآن گزیده بر آمد دمار
به بغداد در کرخ شخصش به خاک	سپردند و شهری شد آن جای پاک
سی و یک پسر بود زاده امام	ولی بیست و یک را شناسم به نام
نخستین علی آن که او را رضا	لقب بود و بودی امامت ورا
به عبدالله آن کو به او جان در است	به نزدیک ساوه است آن بوم و رست
چو محسن کش اندر فراهان مزار	بود مشهدی فاضل و نامدار

عقیل و ابراهیم و هارون دگر	سماعیل و اسحاق و یحییٰ شمر
حسین و حسن بود و جعفر همان	عبیدالله و حمزه هم زین نشان
محمد دگر بود و احمد دگر	چو عباس و چو قاسم نامور
دگر عبدرحمان و زید گزین	چو جعفر که بودش لقب کهن‌ترین
بدش بیست و هشت دختر پاک تن	ده و پنج را یافتم نام من
از آن است در قم ستی فاطمه	که از ما ثنا بر روان همه ۲۴

ص: ۳۱۵

مطالب گفته شده در ظفرنامه عبارتند از:

- نام: موسی
 - لقب: کاظم
 - توصیف با جملات: فرزند رسول خدا و بهترین وارث انبیا در علم و دانش
 - رحلت: ۱۴ صفر سال ۱۸۳ قمری
 - طول عمر: ۵۵ سال
 - نحوه شهادت به اعتقاد شیعه: به وسیله ریختن سرب داغ در حلق به دستور هارون
 - محل دفن: در محله کرخ بغداد
 - تعداد فرزندان: ۳۱ پسر و ۲۸ دختر
 - نام برخی فرزندان: علی، عبدالله، محسن، عقیل، ابراهیم، هارون، اسماعیل، اسحاق، یحییٰ، حسین، حسن، جعفر، عبیدالله، حمزه، محمد، احمد، زید، جعفر، عبدالحمان، و از دختران: ستی فاطمه در قم
 - تعداد دختران در ظفرنامه ۲۸ و در تاریخ گزیده ۱۶ دختر ذکر شده
 - نام برخی پسران در تاریخ گزیده ذکر شده که در ظفرنامه اثری از آنها نیست.
۱۲. نزهه القلوب

این اثر مستوفی در علم جغرافیا، هیئت و عجایب عالم برای استفاده فارسی‌زبانان به نگارش درآمده است. وی آن‌جا که از شهر بغداد و حدود جغرافیایی آن بحث می‌کند، به مدفن پاک امام کاظم (ع) نیز اشاره می‌نماید:

و بغداد ام‌البلاد آن مملکت و مقر حکومت بنی‌عباس بوده و مشهد امام موسی‌الکاظم (عم) و امام محمد تقی (عم) بوده ۲۵ ...

ص: ۳۱۶

و در جای دیگر آورده است:

و بر جانب غربی (بغداد)، مشهد حضرت امام موسی کاظم و نواده او حضرت امام محمدتقی‌الجواد (رضعهما) است و آن موضع اکنون شهرچه‌ای است دورش شش هزار گام بود. ۲۶

نکات مهم در این زمینه عبارتند از:

– به کار بردن واژه‌های حضرت و امام، قبل از نام امام کاظم (ع) و استفاده از جملات دعایی «رضعهما» و نیز «عم»، نشان دهنده احترام خاص نویسنده است.

– محل دفن امام کاظم (ع) در ابتدا جزئی از بغداد بوده اما تا زمان مستوفی چندان توسعه یافته که خود شهری کوچک به حساب می‌آمده است.

– نوه امام کاظم (ع) یعنی امام جواد (ع) نیز در جوار قبر آن حضرت مدفون هستند.

۱۳. راحه‌الارواح و مونس‌الاشباح (۷۵۷ ق) ۲۷

ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری (۷۵۷ ق)، فقیه و متکلم قرن هشتم هجری و معاصر با فخرالمحققین فرزند علامه حلی بود. وی به دستور خواجه یحیی کرابی، یکی از رهبران سربرداری، این کتاب را به رشته تحریر درآورد. این کتاب در پانزده باب و فصول متعدد، در شرح موالید حضرت رسول (ص) و حضرت زهرا (علیها السلام)، فضایل و برخی معجزات، مدت عمر و زمان وفات ایشان تنظیم شده است.

آنچه به امام کاظم (ع) مربوط می‌شود، با عنوان «در ذکر امام هفتم ابوالحسن موسی بن جعفر الکاظم (ع)» در پنج فصل منظم شده است: فصل اول، در ولادت حضرت؛ فصل دوم، در تعداد و نام اولاد آن حضرت؛ فصل سوم، در ذکر فضایل

ص: ۳۱۷

۲۵. همان، تصحیح محمد دبیر سیاقی، ص ۶۹، حدیث امروز، دی ماه ۱۳۸۱.

۲۶. همان، ص ۷۴.

۲۷. تصحیح حسین درگاهی، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۲۰، معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.

ایشان؛ فصل چهارم، در بعضی از معجزات آن حضرت و فصل پنجم، در مدت عمر و زمان وفات آن حضرت است. با توجه به این که کتاب، به منظور آشنا نمودن مخاطب با امامان معصوم (علیهم السلام) نوشته شده، به تفصیل به زندگانی ائمه پرداخته و بسیاری از مطالب آن نسبت به سایر متون کهن فارسی منحصر به فرد است.

مطالب کتاب به اختصار عبارتند از:

- تولد: ۱۲۸ قمری در هفتم صفر در ابواء

- کنیه ابوالحسن، ابوابراهیم و القاب: عبدالصالح و کاظم

- فرزندان: ۳۷ تن و افضل آنها علی بن موسی الرضا از بانوی ام ولد به نام نجمه.

- فضایل: داستانی در کثرت عبادت حضرت و این که اسحاق بن کاتب از موکلان امام در زندان گفته: «اگر بعد از رسول خدا (ص) پیغمبر بودی، موسی بن جعفر بودی؛ زیرا او قادر بود بر عبادتی که نشنیده‌ام کسی بر آن قادر باشد از اولین و آخرین. قرآن را با اندوه و گریه و به آواز خوش می‌خواند.» نیز فرو بردن خشم و داستان برخورد حضرت با یکی از اولاد عمر.

- نویسنده در توصیف حضرت می نویسد: «(امام) عابدترین، فقیه‌ترین، سخی‌ترین و کریم‌ترین اهل روزگار خود بود.»

- کرامات: ظاهر شدن شیرها برای دفاع از حضرت در مقابل فرستادگان هارون که قصد کشتن ایشان را داشتند. ذکر داستانی از یکی از زندانیان که توسط امام (ع) طی الارض کرد و به دیدار خانواده خود رفت. داستانی از علی بن یقطین و پس فرستادن هدیه‌اش از جانب امام برای حفظ جان وی. نسوختن دست حضرت در آتش در مقابل یکی از برادران که دعوی امامت داشت. زنده شدن گاو بیوه‌زنی به عنایت حضرت. افعی شدن عصای حضرت در مقابل هارون. زنده شدن مرکب مغربی به عنایت امام. حفظ جان علی بن یقطین در مقابل هارون با

ص: ۳۱۸

آموزش وضوی اهل سنت به او. همسفری فردی به نام شقیق با امام در سفر حج و معجزاتی که از ایشان در طی سفر حج ظاهر شد.

- عمر: ۵۵ سال

- خلفای هم عصر حضرت: منصور، مهدی، هادی و هارون

- سبب زندانی شدن حضرت: اتفاقی که بر سر قبر پیامبر (ص) افتاد

- مسموم شدن توسط سندی بن شاهک

- توصیه به مسیب در مورد امامت امام رضا (ع)

- ماجرای پس از شهادت و در معرض دید نهادن جنازه حضرت

- ماجرای غسل دادن آن حضرت توسط سندی بن شاهک در ظاهر و در باطن توسط امام رضا (ع)

- دفن حضرت در مقابر قریش

۱۴. تاریخ رویان (۷۶۴ ق)

مولانا اولیاءالله آملی، این کتاب را به نام یکی از حاکمان محلی رویان به شاه غازی بن زیار بن کیخسرو به رشته تحریر درآورد و تاریخ پایان آن - همان طور که در کتاب آمده - سال ۷۶۴ قمری و مشتمل بر اخبار و حوادث ناحیه رویان، از قدیمی ترین ایام تا همین تاریخ است. آملی کتابش را در هشت باب تنظیم نمود. در باب سوم آن در فصلی با عنوان: «در سبب تردد سادات علویه به طبرستان و حوالی آن چون طالقان و قومس و دیلمان و غیرها» به مناسبت، به داستان هایی در مورد امام کاظم (ع) اشاره می کند:

داستان اول به اختصار: آملی پس از شرح قیام صاحب فخر و شکست آن، حکایتی به این مضمون نقل می کند: در مجلسی که موسی بن عیسی و سری بن عبدالله عباسی، از نایبان و عموزادگان خلیفه مهدی عباسی و نیز موسی بن عبدالله از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) (که در قیام شهید فخر شرکت

ص: ۳۱۹

داشت) و نیز امام کاظم (ع) حضور داشتند، سری بن عبدالله خطاب به سید موسی بن عبدالله گفت: «آیا سزاوار نیست که شما هم مانند پسرعموی خود موسی بن جعفر که با داشتن فضل وافر و عفت و زهد و کمال علم و درجات حسب و نسب و حصول طهارت و عصمت و زیادت شرف بر همه بنی هاشم (قیام نکرده)، خاموش بنشینید تا همواره محترم و بزرگ مرتبه باشید؟» موسی بن عبدالله با شنیدن این توصیفات بر بدیهه، ابیاتی را خواند به این مضمون: «آنان که مدحشان می کنی و فضایل شان را می خوانی بقیه آبا و اجداد و پسرعموهای منند و عموی ایشان پدر من است. پس اگر تو مدح ایشان کنی، ما تو را بدان تصدیق کنیم و باور داریم؛ چه در آن شکی نیست، ولی اگر مدح پدر خود گویی، تو را بدان تکذیب می کنیم و به دروغ داریم و بر هر یکی صد اعتراض آریم!»

مردم از فصاحت و شجاعت سید عبدالله متعجب شدند. امام کاظم (ع) با پیش کشیدن مطلبی به گفت و گوها پایان دادند و فتنه را خوابانند. ۲۸

آملی در همین فصل، به شهادت امام کاظم (ع) اشاره ای دارد که به دلیل اختصار عیناً می آوریم:

بدان که چون ایام دولت مأمون خلیفه بود و خلافت بدو قرار گرفت و ممکن گشت، در تربیت سادات علویه می کوشید و دایم مذمت پدرش - هارون - می کرد که چرا حق علویان نشناخت و بر قتل امام موسی بن جعفر الکاظم - صلوات الله علیهما - حسرت ها می خورد؛ چه امام موسی بن جعفر را هارون، در خانه خود بازگرفته، به احترام می داشت و به ظاهر نیارست که در قتل او تقدیم کند، از ترس غلو عامه و مسلمانان، خاصه اهل شیعه. پس بفرمود تا او را به سرّ ارزش مذهب به خلق فرو ریختند و شهیدش کردند و خواست که

در روی خلق برائت ساحت خود آشکارا کند، بفرمود تا او را بر نعلی نهادند، در میان بازار بغداد بنهادند و خلق را گفت: «همه کس ببینید و گواه باشید که ما او را نکشتیم و به حنف انف به اجل مقدر خود برسید.» همه علما و قضات و اکابر، گواهی خود در این باب ثبت کردند، مگر احمد بن حنبل که او را در این باب زجرها کردند و گواهی ننوشت و در آن حال کرامات از او مشاهده کردند که شرح آن تطویلی دارد. ۲۹

نیز در علت ملاطفت مأمون با شیعیان به نقل داستانی از زبان خود مأمون می‌پردازد:

مأمون گفت: «ما بر این حال ملامت مکنید که من تشیع از پدر خود آموختم.» گفتند: «نه پدر تو پدر رضا را و سادات دیگر را کشته است؟» جواب داد که: «قتلهم علی الملک لأن الملک عقیم.» پدرم به فضل جاهل نبود، لکن از ترس ذهاب ملک و پادشاهی، ایشان را می‌کشت که ملک شریک نمی‌خواهد؛ و من با پدر خود - هارون - به حج رفته بودم. به مدینه در مسجد رسول، نشسته بود و همه بطون و افخاذ قریش و صنادید عرب حاضر بودند و هرکس در مراتب خود نشسته. شخصی بیامد و با پدر به سر چیزی بگفت. پدر از جای برجست و من و امین و مؤتمن بر سر او استاده بودیم. می‌دویدیم تا برسیدیم به پیری که: «قد انهکته العبادة کأنه شنّ بال قد کلم السجود وجهه و انفه.» چون پدر را بدید، خواست که فرود آید از مرکب. پدر گفت: «لا و الله الا علی بساطی.» و در پیش استاد، تا کنار بساط از مرکب فرود آمد. پدر او را در مسند خود بنشانند و با او تواضعی کرد که ما حیران شدیم و گاهی یا ابالحسن و گاهی یا اباابراهیم خطاب کردی. از هر نوع سخن‌ها بگفتند. چون برخاست، رکابش گرفت و برنشاند و ما را گفت

که با عم خود بروید و ما هرسه برفتیم تا او را روانه کردیم. پرسیدیم از پدر که «این کیست بدین بزرگی؟» پدر گفت: «هذا امام الناس؛ این امام مردمان است؛ هذا موسى بن جعفر.» من گفتم که «امام الناس تو نیستی یا امیرالمؤمنین!؟» جواب داد که «من امام جماعتی به قهر و غلبه، اما امام الناس این است.» و بعد از چند روز صله و عطایی نه در خورد آن تواضع، از برای او بفرستاد. من پدر را گفتم: «آن تواضع از چه بود بدان حد و این عطای مختصر چیست نه خورد آن؟» پدر گفت: «اسکت لا امّ لک فانی لو اعطیت هذا موفورا، ما کنت آمنه ان یضرب وجهی غدا بمائة ألف سیف من شیعة و موالیه و فقر هذا و اهل بینه أسلم لی و لکم من بسط أیدیهم. یعنی اگر او را مال موفور دهم، به چه ایمن باشم؟ فردا با صد هزار شمشیر از آن شیعه و موالی خود روی به من نهند و درویشی اوست که ما را و شما را سلامت دارد از دست برد ایشان.» ۳۰

نکات عمده در این زمینه عبارتند از:

- منابع: آملی در قسمت‌های مختلف کتاب، برخلاف بسیاری از نویسندگان، به ذکر منابع خود می‌پردازد و این بر ارزش کتاب می‌افزاید. مثلاً وی قبل از نقل داستان فوق می‌گوید:

و الفرج اموی گوید که روایت کرد ما را احمد بن سعید از یحیی بن الحسن العلوی که حدیث کرد کسی که از عبد الجبار بن سعید که ...

بنابراین، درمی یابیم که مطلب فوق را از مقاتل الطالیین ابوالفرج اصفهانی، گرفته است. هر چند در برخی موارد هم به منبع اشاره ندارد.

- آملی شیعه مذهب و از دوست داران اهل بیت (علیهم السلام) است و اعتقاداتش به امامان در خلال نوشتارش خودنمایی می کند.

ص: ۳۲۲

- در داستان اول، توصیفات عبدالله بن سری از امام کاظم (ع) و نیز ایباتی که سید موسی بن عبدالله (عموزاده امام) می خواند، نشان دهنده جایگاه والای آن حضرت در میان دوست و دشمن است.

- بنا به گفته آملی، هارون امام کاظم (ع) را در خانه خودش حبس نموده بود اما از ترس مردم به ویژه شیعیان، از آزار و اذیت حضرت دوری می نمود و با احترام با ایشان رفتار می کرد و به همین دلیل با ریختن سرب مذاب در گلو، ایشان را به شهادت رساند تا اثری در ظاهر حضرت مشخص نباشد و مرگ امام، طبیعی جلوه کند.

- اصرار هارون بر این که مرگ حضرت را طبیعی جلوه دهد، به حدی بوده که از علما، قضات و بزرگان، به اجبار امضا گرفته شد و فردی چون احمد بن حنبل که تن به امضا نداد، آزار و شکنجه گردید.

- آن چه از گفته آملی بر می آید، این است که هارون در نقشه ای که در سر داشته و می خواسته مرگ امام را طبیعی جلوه دهد، هیچ توفیقی کسب نکرده است و شاهد این مدعا این که مأمون هم شهادت امام کاظم (ع) به دست پدرش را قبول داشته و حتی او را به سبب این عمل مذمت کرده است.

- آملی هیچ گونه اشاره ای به سال حوادث ننموده است.

۱۵. الفصول الفخریه فی اصول البریه (قرن ۸-۹ ق) ۳۱

این کتاب، یکی از بزرگ ترین آثار در زمینه انساب محسوب می شود که عالم بزرگ شیعه، سیدجمال الدین احمد بن علی معروف به ابن عنبه حسنی داوودی (م ۸۲۸ ق) نوشته است. وی در قسمتی از کتاب، به نسل امامان (ع) و فرزندان ایشان پرداخته است.

ص: ۳۲۳

بسته به موضوع کتاب، شرح زندگی ائمه (علیهم السلام) در آن دیده نمی شود. در مورد امام کاظم (ع) نیز تنها نام برخی از فرزندان ایشان آمده که نسل امام از آن ها تداوم یافته است. آن ها سیزده تن به نام های علی الرضا (ع)، ابراهیم مرتضی،

محمدالعابد، جعفر، زیدالنار، عبدالله، عبیدالله، حمزه، عباس، هارون، اسحاق، اسماعیل و حسن بوده‌اند. نیز حسین در ابتدا دارای نسل بوده اما بعدها نسلش منقرض شده است. ۳۲

۱۶. تاریخ قم (۸۰۵ ق) ۳۳

حسن بن محمد بن سائب بن مالک اشعری قمی، تاریخ قم را در سال ۳۷۸ قمری و به تشویق صاحب بن عباد وزیر دانشمند آل‌بویه به زبان عربی به رشته تحریر درآورد. این کتاب دارای بیست باب و پنجاه فصل بوده و اکنون از بین رفته و آنچه امروزه با عنوان تاریخ قم وجود دارد، ترجمه فارسی آن است که تاج‌الدین حسن بن علی بن عبدالملک قمی در اوایل قرن نهم (۸۰۵-۸۰۶ ق)، به دستور یکی از حاکمان قم به نام محمد بن علی صفی ترجمه کرده است.

این ترجمه در پنج باب تنظیم شده است: باب اول، در ذکر قم و سبب نام‌گذاری آن؛ باب دوم، در ذکر مساحت‌ها و مالیات‌های شهر قم؛ باب سوم، در ذکر طالبیانی (فرزندان علی بن ابی طالب (ع)) که به قم مهاجرت کردند و در آن سکنی گزیده‌اند؛ باب چهارم، در ذکر اشعریانی که در قم ساکن شدند و باب پنجم، درباره تاریخ اشعریان قم و مسائل مربوط به آنان است.

وی در باب سوم، ابتدا به ذکر انساب طالبیان و فضایل آنان پرداخته و در زیرمجموعه فرزندان امام حسین (ع)، از سایر امامان و به تبع امام کاظم (ع) نیز به اختصار یاد کرده است:

ذکر ابی‌الحسن موسی بن جعفر (ع)، و ذکر اعقاب و اولاد او، و مدت حیات،

ص: ۳۲۴

و مدت امامت، و وقت وفات، و ذکر قبر و مشهد او:

امام موسی کاظم (ع) به ابوا، سنه ثمان و عشرين و مائه در وجود آمده است و به روایتی دیگر، روز یک‌شنبه، هفت روز از ماه صفر گذشته، سنه تسع و عشرين و مائه و شيعه او را به عبدالصالح نام نهاده‌اند، و مادر او حمیده بربریه است و امام ابی [الحسن] موسی کاظم را، ابوالحسن، ابوابراهیم و ابوحمزه کنیت بوده است، و چون خدای عزوجل رضا (ع) را به او داد، امام کاظم (ع) فرمود که: «من به کنیت خود بر پسر علی بخل کردم، ازین وقت کنیت کنید مرا به ابوابراهیم، ابی‌الحسن، ابی‌حمزه و ابی‌علی» و رشید او را از مدینه ببرد، و با او بوده تا به کعبه، و چون به راه بصره باز گردید، او را به نزدیک عیسی بن جعفر بن منصور بازداشت، و پس از آن او را در روز بیستم شوال، سنه تسع و سبعین و مائه به بغداد فرستاد، و به نزدیک سندی بن شاهک محبوس کرد، و روز جمعه پنج روز از ماه رجب گذشته، سنه ثلث و ثمانین و مائه به بغداد وفات یافت، پس از آنکه چهارسال و چند ماه محبوس بود و عمر او پنجاه و چهار سال بوده است و به روایتی پنجاه و پنج سال. و مدت امامت او سی و پنج سال و چند ماه، و قبر و تربت او به مقابر قریش است، در جانب غربی به بغداد.

عدد اولاد او:

علی‌الرضا، ابراهیم، فضل، عباس، اسماعیل، احمد، محمد، عبدالله، عبیدالله، و حسن، حسین، جعفر، حمزه، هارون، داوود، سلیمان، اسحاق، قاسم، جعفر، ام‌فروه، ام‌بیه، محمود، امامه، میمونه، علیه، فاطمه، ام‌کلثوم، آمنه، زینب، [ام] عبدالله، و ام‌القسم، حکیمه، اسما و صرحه مادر ایشان ام ولد بوده است، و عدد ایشان در شجره بیست و دو دخترند. پس مجموع فرزندان او: چهل نفس و وجودند، و از پسران او دوازده پسر را عقب بوده است - و الله أعلم بالصواب. ۳۴

ص: ۳۲۵

مطالب تاریخ قم در مورد زندگانی امام کاظم (ع) عبارتند از:

- دو روایت از تاریخ ولادت حضرت: سال ۱۲۸ قمری یا سال ۱۲۹ قمری در هفتم ماه صفر روز یکشنبه در ابوا.

- نام مادر: حمیده بربریه.

- کنیه‌ها: ابوالحسن، ابوالبراهیم و ابی حمزه و خود حضرت پس از تولد امام رضا (ع) به خود کنیه ابی‌علی دادند.

- شیعه او را عبد صالح می‌خوانند

- آزارهای هارون: زمانی که هارون الرشید به حج می‌رفت، حضرت را از مدینه با خود همراه کرد تا به کعبه و پس از آن در بصره در نزد عیسی بن جعفر بن منصور محبوس نمود و حضرت را در بیستم شوال سال ۱۷۹ قمری در بغداد به نزد سندی بن شاهک محبوس ساخت تا آن که در روز جمعه پنجم رجب سال ۱۸۳ قمری پس از چهار سال و چند ماه حبس، وفات یافت.

- عمر حضرت: ۵۴ یا ۵۵ سال، مدت امامت ۳۵ سال و چند ماه و مدفنش در جانب غربی بغداد در مقابر قریش است.

- تعداد فرزندان امام کاظم (ع): ۴۰ تن هیجده پسر و ۲۲ دختر. و نام آن‌ها: علی‌الرضا، ابراهیم، فضل، عباس، اسماعیل، احمد، محمد، عبدالله، عبیدالله، حسن، حسین، جعفر، حمزه، هارون، داوود، سلیمان، اسحاق، قاسم و جعفر. دختران: ام‌فروه، ام‌بیه، محمود، امامه، میمونه، علیه، فاطمه، ام‌کلثوم، آمنه، زینب، ام‌عبدالله، ام‌القسم، حکیمه، اسماء و صرحه.

- شیعه به آن حضرت لقب عبد صالح داده است.

- نویسنده هر چند از آزار هارون الرشید نسبت به امام یاد کرده، به وفات حضرت معتقد است، نه شهادت ایشان.

- از نکات ضعف کتاب نیاوردن منبع هر مطلب به طور مشخص است.

ص: ۳۲۶

۱۷. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (۸۸۱ ق)

سیدظهرالدین بن سیدنصیرالدین مرعشی (۸۱۵-۸۹۲ ق) نویسنده این کتاب و متعلق به خاندان مرعشی، یکی از خاندان‌های بزرگ منطقه مازندران است که نسبشان به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. عده زیادی عالم، وزیر، نقیب و حاکم از این خاندان سر برآورده‌اند. سیدظهرالدین عالمی از این خاندان است که علاوه بر مشاغل دولتی، به نویسندگی نیز اشتغال داشت. تاریخ طبرستان رویان و مازندران، تاریخ گیل و دیلم و تاریخ جرجان و ری، سه اثر بر جای مانده از اوست که همواره مورد توجه و اعتماد معاصران و متأخران بعد از وی قرار گرفته‌اند. کتب روضه‌الصفاء، حبیب سیر، مجالس‌المؤمنین، محافل‌المؤمنین، خلد برین و احسن‌التواریخ به این کتب استناد کرده‌اند.

گویا از بین این سه اثر، تاریخ طبرستان رویان و مازندران مهم‌ترین باشد. این کتاب به اسم کارکیا میرزا علی لاهیجانی در سال ۸۸۱ قمری نگاشته شده، البته آن‌گونه که ظهرالدین خود در مقدمه کتابش آورده، تاریخ طبرستان شامل دو قسمت است: قسمت اول آن نوشته مولانا اولیاءالله و علی بن جمال‌الدین و قسمت دوم آن دو فصلی را شامل می‌شود که خود او بر آن‌ها افزوده است. کتاب با بیان حدود آمل و رویان و مناطقی چون رستم‌دار، شروع شده و با ذکر حاکمان اولیه این مناطق ادامه یافته است. ۳۵ سیدظهرالدین در قسمتی با عنوان ذکر احوال داعیان و سبب تردد سادات به طبرستان، در چند سطر به ماجرای شهادت امام کاظم (ع) به دست هارون اشاره می‌کند که به دلیل اختصار در ذیل می‌آید:

چون مأمون به خلافت بنشست، در تربیت سادات می‌کوشید. و مذمت پدر

ص: ۳۲۷

خود می‌کرد که در قتل موسی بن جعفر (ع) کوشید و حضرت را شهید کرد. و در بازار سوق‌الریاحین بنهاد که مردم بیایند و ببینند که او را نکشته‌اند، بلکه به جهت مریض بودن حضرت وفات کرده است! و از علما و فقها هم کاغذی به مضمون فوق گرفت. تمام علما مهر کردند کاغذ را به جز احمد بن حنبل که او را زجرها کردند و او آن کاغذ را مهر و نشان نکرد. ۳۶

نکات مهم این اثر عبارتند از:

- بر خلاف برخی از منابع، به شهادت حضرت تصریح دارد.

- منبع ظهرالدین در این قسمت، تاریخ رویان آملی است که خود نیز به آن اشاره می‌کند.

۱۸. تاریخ روضه‌الصفاء (۹۰۳ ق) ۳۷

یکی از مهم‌ترین تاریخ‌های عمومی به زبان فارسی و نام کامل آن روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء است که میر محمد بن سید برهان‌الدین خواند شاه، معروف به میرخواند (م ۹۰۳) نوشته است.

۳۵. تصحیح سید محمد حسین تسبیحی، مقدمه مصحح.

۳۶. همان، ص ۱۲۷.

۳۷. میر محمد بن سید برهان‌الدین خواند شاه مرکزی، ص ۳۷-۴۱، تهران: چاپ پیروز، ۱۳۳۹ ق.

تنظیم این کتاب در یک مقدمه، هفت قسم و یک خاتمه است و به روش متداول آن زمان، با ذکر مطالبی در مورد آغاز آفرینش، قصص پیامبران و تاریخ پادشاهان شروع شده و با بیان حالات و غزوات حضرت رسول (ص) و سایر خلفا ادامه یافته است. پس از آن احوال ائمه اثنا عشر شیعه و خلفای بنی امیه و بنی عباس آورده شده و در ادامه نیز به تاریخ جنگیز و فرزندان او، حکومت تیمور و اولاد وی و ذکر حکومت سلطان حسین بهادر و فرزندان وی اشاره گردید و در خاتمه کتاب، به جغرافیا و عجایب عالم پرداخته شده است.

ص: ۳۲۸

در جلد سوم آن احوال یکایک امامان (ع) دیده می‌شود. می‌خواند با عنوان «ذکر احوال موسی بن جعفر رضی الله عنهما» به شرحی از زندگانی آن حضرت پرداخته است. مطالب آن به اختصار عبارتند از:

- تولد: در سال ۱۲۸ قمری در ابواء بین مکه و مدینه

- مادر: حمیده بربریه

- سال شهادت: ۱۸۳ قمری به دستور هارون به تحریک یحیی بن خالد برمکی و به دست سندی به شاهک که امام را مسموم به زهر نمود.

- کنیه: ابوجعفر، ابوابراهیم، ابوعبدالله

- لقب: کاظم به واسطه کثرت حلم و کظم غیظ و اشاره به حلم حضرت در مقابل بد رفتاری‌های مردی از فرزندان عمر بن خطاب.

- نقل روایتی در امامت امام کاظم (ع) از زبان امام صادق (ع)

- بیان دو معجزه از امام در خبر دادن از زمان شهادت و چگونگی حالات خویش بعد از مسمومیت.

- فضایل: کظم غیظ و حلم، جود و احسان. قرآن به ترتیل و تجوید با آواز نیکو می‌خواند و در حین خواندن قرآن می‌گریست و دیگر مردمان هم می‌گریستند.

- در زمان مهدی عباسی محبوس شد، اما چون مهدی خواب امام علی (ع) را دید که با خواندن آیه‌ای او را سرزنش فرمود، دستور آزادی امام را صادر کرد.

- خبر دادن به یکی از یارانش از زمان آزادی از زندان مهدی عباسی

- داستان ملاقات امام با هارون در مدینه و اعتراف هارون به جایگاه والای امام (ع)

- خبر دادن چگونگی شهادت و حالات خود از مسمومیت.

ص: ۳۲۹

در این فصل، مطالبی که از متون کهن فارسی به دست آمده، به شکل منظم‌تری عرضه می‌گردد تا از یک سو نقاط مشترک و نیز نقاط تمایز منابع مشخص شود و از سوی دیگر، در نگاهی کلی، زاویه دید نویسندگان فارسی زبان تا دوران صفویه به زندگانی امام کاظم (ع) مشخص تر گردد.

تولد

امام موسی کاظم (ع) امام هفتم شیعیان روز یکشنبه ۳۸ یا سه‌شنبه ۳۹ هفتم، ۴۰ هشتم ۴۱ یا نهم صفر ۴۲ در سال ۱۲۸ قمری در منطقه‌ای بین مکه و مدینه به نام ابواء به دنیا آمدند. ۴۳

نام، لقب و کنیه

نام ایشان موسی، ۴۴ لقب کاظم ۴۵ و عبد صالح، ۴۶ و کنیه‌های ایشان عبارتند از: ابوالرأف، ۴۷

ص: ۳۳۰

ابوجعفر ۴۸ و ابوعبدالله ۴۹ نیز ابوالحسن، ۵۰ ابی حمزه ۵۱ و ابی‌علی. ۵۲

۳۸. تاریخ‌گزیده، ص ۲۰۴؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۳۹. تاریخ بنکتنی، ص ۱۱۳.

۴۰. تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۴۱. تاریخ بنکتنی، ص ۱۱۳.

۴۲. تاریخ‌گزیده، ص ۲۰۴؛ در تاریخ محمدی میلاد نهم جمادی الثانی ذکر شده، ص ۱۳۷.

۴۳. مورد اتفاق همه متون است. فقط تاریخ قم ه در این سال با سال ۱۲۹ ق، تشکیک کرد (ص ۵۰۹).

۴۴. مورد اتفاق همه متونی که در این باره سخن گفته‌اند.

۴۵. مجمل‌التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ راحه‌الارواح، ۲۰۹؛ روضه‌الصفاء، ج ۳، ص ۳۸؛ مناقب‌الطاهرین، ص ۷۰۳.

۴۶. مجمل‌التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ راحه‌الارواح، ص ۲۰۹؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹؛ مناقب‌الطاهرین، ص ۷۰۳.

۴۷. مجمل‌التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ تاریخ طبرستان؛ ص ۱۸۲؛ راحه‌الارواح؛ ص ۲۰۹؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹؛ روضه‌الصفاء، ج ۳، ص ۳۸؛ مناقب‌الطاهرین، ص ۷۰۳.

۴۸. روضه‌الصفاء، ج ۳، ص ۳۸.

۴۹. همان، ص ۳۸.

۵۰. مجمل‌التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ تاریخ طبرستان، ص ۱۸۲؛ راحه‌الارواح، ص ۲۰۹؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹؛ مناقب‌الطاهرین، ص ۷۰۳؛ روضه‌الصفاء، ج ۳، ص ۳۸.

مادر

مادر آن حضرت حمیده دختر صاعد بربری ۵۳ ملقب به حمیده مصفاه ۵۴ و ام ولد ۵۵ بود و داستانی جالب درباره تزویج ایشان با امام جعفر صادق (ع) نقل شده است. ۵۶

نص امامت

روایاتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) منقول است که در آن امامان دوازده گانه پس از خود را نام برده اند و نام امام کاظم (ع) جزو آنهاست. ۵۷ نیز امام صادق (ع) در موارد متعددی یاران نزدیک خود را به امامت ایشان رهنمون شده اند و داستان هایی در این باره نقل شده است. ۵۸

نقش انگشتی حضرت العزه لله الجميع ۵۹ بود.

مدت امامت ایشان ۳۵ سال ۶۰ یا به قول مستوفی ۳۴ سال و ۶ ماه و ۲۱ روز ۶۱ بوده است.

ص: ۳۳۱

فضایل

فضایل امام یکی از ابعادی است که در منابع فارسی هم چون منابع کهن عربی به آن پرداخته شده است. آنچه از فضایل آن حضرت در متون کهن آمده، موارد ذیل است:

۱. کظم غیظ

۵۱. تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۵۲. همان، ص ۵۰۹؛ مناقب الطاهرین، ص ۷۰۳.

۵۳. نام مادر ایشان مورد اتفاق همه متون است.

۵۴. مناقب الطاهرین، ۷۰۳.

۵۵. روضه الصفا، ج ۳، ص ۳۸.

۵۶. نزه الکرام و بستان العوام، ۶۹۶ تا ۷۶۴.

۵۷. همان، ص ۴۱۱-۴۱۳.

۵۸. مناقب الطاهرین، ص ۷۰۵-۷۰۶؛ نزه الکرام، همان؛ راحه الارواح، ص ۲۲۰.

۵۹. تاریخ محمدی، ص ۱۳۸.

۶۰. تحفه الابرار، ص ۱۶۸؛ تاریخ محمدی، ص ۱۳۸؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۶۱. تاریخ گزیده، ۲۰۴.

صبر و تحمل در مقابل مخالفان و فرو بردن خشم، یکی از صفات بارز ایشان بود. زمانی که حضرت در مدینه بودند، یکی از فرزندان عمر بن خطاب همواره با ایشان به تندی رفتار می نمود و حضرت علی (ع) را دشنام می داد تا این که برخی از پیروان حضرت به خشم آمده، تصمیم به قتل وی گرفتند، ولی امام کاظم (ع) ایشان را از این کار منع کردند و روزی که وی در مزرعه اش مشغول کار بود، حضرت به دیدارش رفت و با مهربانی شروع به سخن گفتن و مطایبه با وی نمود و با دادن کیسه ای محتوی سیصد درهم، محبت او را جلب نمود. مرد سخت منقلب شد و از آن پس به دوست داران ایشان پیوست. ۶۲

آن حضرت بدی دیگران را به نیکی پاسخ می گفتند. نقل است به امام گفتند: «فلان کس از شما غیبت می کند!» امام کاظم (ع) هزار درهم برای او روانه کردند. ۶۳

۲. عبادت

در راحه الارواح آمده است:

امام کاظم (ع) عابدترین، فقیه ترین، سخی ترین و کریم ترین اهل روزگار خود بود. ۶۴

ص: ۳۳۲

به ویژه در سال هایی که در حبس هارون بودند، روزها روزه می گرفتند و تمام شبانه روز را در حال نماز، رکوع و سجود به سر می بردند بدون این که لحظه ای خواب بر ایشان غلبه کند و یا نیازمند تجدید وضو شوند. چنین حالتی باعث شگفتی همگان و حتی زندان بانان ایشان می شد. ۶۵ یکی از موکلان حضرت به نام اسحاق بن کاتب عبادت حضرت را چنین وصف کرده است:

اگر بعد از رسول خدا (ص) پیغمبر بودی، موسی بن جعفر بودی، زیرا او قادر بود بر عبادتی که نشنیده ام کسی بر آن قادر باشد از اولین و آخرین. ۶۶

هارون زمانی از جای بلندی به تماشای آن حضرت پرداخت، در حالی که حضرت مدت طولانی در سجده بود و مانند پارچه ای که به زمین افتاده هیچ تحرکی نداشت. هارون گفت: «او از رهبانان بنی هاشم است.» ۶۷ مأمون وقتی برای اولین بار حضرت را در مدینه ملاقات کرد، در وصف ایشان گفته است: «از زیادی عبادت، پیر و رنجور شده بود و آثار

۶۲. مناقب الطاهرین، ص ۷۱۱؛ راحه الارواح و مونس الاشباح، ص ۲۱۱؛ روضه الصفا، ج ۳، ص ۳۸.

۶۳. روضه الصفا، ج ۳، ص ۳۸.

۶۴. ص ۲۱۰.

۶۵. مناقب الطاهرین، ص ۷۱۰.

۶۶. راحه الارواح، ص ۲۱۰.

۶۷. مناقب الطاهرین، ص ۷۰۳.

سجده در چهره‌اش نمایان بود.» ۶۸ آن حضرت قرآن را با آهنگی محزون و دلنشین می‌خواندند، در حالی که می‌گریستند و دیگران نیز گریه می‌کردند.» ۶۹ آن حضرت را زین‌المجتهدین می‌خواندند. ۷۰

۳. علم

حضرت را فقیه‌ترین اهل روزگارش ۷۱ و بهترین وارث علم انبیا دانسته‌اند. ۷۲

ص: ۳۳۳

داستانی درباره علم امام کاظم (ع) نقل شده که ابوحنیفه به قصد تمسخر و کوچک شمردن ایشان که در سن کودکی بودند، سؤالی از حضرت پرسید اما با پاسخ کامل و مستدل ایشان مواجه شد و از کرده خود پشیمان گردید. ۷۳ نیز سؤالاتی که هارون از امام پرسید و پاسخ‌های آن حضرت، در برخی متون آمده است. ۷۴ در دیگر متون هم به علم امام کاظم (ع) اشاره شده است. ۷۵ از جمله از حفظ خواندن انجیل بر برپیه نصرانی. ۷۶

۴. علم غیب

علم غیب نیز یکی از فضایل ایشان بود. خبر دادن از مرگ افراد، ۷۷ خبر دادن از نیات و افکار آن‌ها، ۷۸ خبر دادن از اموال و دارایی‌هایی که به سوی امام روانه می‌شد؛ ۷۹ خبر از متن نامه‌ها قبل از خواندن آن‌ها، ۸۰ خبر از جانشینی مأمون

۶۸. «قد انهكته العبادة كأنه شنّ بال قد كلم السجود وجهه و انقه»؛ تاریخ رویان، همان، ص ۸۳؛ تاریخ طبرستان، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۶۹. راحه الارواح، ص ۲۱۰؛ روضه الصفا، ج ۳، ص ۳۹.

۷۰. روضه الصفا، ج ۳، ص ۳۹؛

۷۱. راحه الارواح، ص ۲۱۰.

۷۲. ظفرنامه، ص ۸۴.

۷۳. نزهه الکرام و بستان العوام، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۷۴. همان، ص ۷۶۶-۷۷۴.

۷۵. تاریخ رویان، ص ۶۳-۶۴؛ راحه الارواح، ص ۲۱۶.

۷۶. مناقب الطاهرين، ص ۷۰۷.

۷۷. نزهه الکرام و بستان العوام، ص ۷۵۵؛ مناقب الطاهرين، ص ۷۱۴.

۷۸. راحة الارواح و مونس الاشباح، ص ۲۱۷؛ مناقب الطاهرين، ص ۷۱۴-۷۱۵.

۷۹. نزهه الکرام و بستان العوام، ص ۷۵۶؛ مناقب الطاهرين، ص ۷۱۴-۷۱۵.

۸۰. نزهه الکرام و بستان العوام، ص ۷۵۶؛ مناقب الطاهرين، ص ۷۵۴.

به جای پدرش، ۸۱ خبر از زمان و چگونگی شهادتش ۸۲ و خبر از نام افراد و نام پدرشان قبل از آشنایی از علم غیب ایشان ناشی می‌شد. ۸۳

زهد و ورع، ۸۴ عفت و عصمت و طهارت و شرافت خانوادگی از دیگر فضائل ایشان است. ۸۵

ص: ۳۳۴

انشعابات شیعه در زمان امام کاظم (ع)

به گفته طبری، شیعه پس از امام صادق (ع) به چندین گروه منشعب شد: ناووسیه که معتقد بودند امام صادق (ع) نمرده، بلکه زنده و قائم است. افطحیه که پیروان عبدالله افطح فرزند ارشد امام صادق (ع) بودند و اعتقاد داشتند که امامت به فرزند ارشد امام می‌رسد. اسماعیلیه یا سبعیه ۸۶ پیروان اسماعیل فرزند دیگر امام صادق (ع) بودند. وی در زمان حیات پدر از دنیا رفت اما عده‌ای معتقد بودند، او نمرده و نص امامت نیز بر او قرار گرفته است. ۸۷ قرامطه که معتقد بودند اسماعیل مرده و امامت به فرزند وی محمد منتقل شده است. اما اکثریت شیعه، به امامت موسی بن جعفر (علیهما السلام) قائل بودند و گروه‌های دیگر نیز به جز اسماعیلیه، خود به خود از بین رفتند. ۸۸

امام در دوران مهدی عباسی

امام کاظم (ع) در دوران امامت خود با چهار خلیفه عباسی یعنی منصور، مهدی، هادی و هارون هم عصر بودند. ۸۹ به طور قطع همواره تنش‌هایی بین امام و خلفای عباسی وجود داشته است که ثمره آن احضار و یا محبوس شدن امام کاظم (ع) بود. از جمله حضرت در زمان مهدی عباسی، مدتی را در حبس وی به سر بردند. در تاریخ نامه طبری به این قضیه اشاره شده است. نویسنده نقل می‌کند:

در نیمه شبی مهدی عباسی، برای عبادت و تهجد بر می‌خیزد و در حین قرائت قرآن به آیه‌ای بر می‌خورد که سخت او را منقلب می‌کند. آیه ۴۷

۸۱. تاریخ طبرستان، ص ۲۰۳.

۸۲. مجمل التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ روضه الصفا، ج ۳، ص ۴۱.

۸۳. مجمل التواریخ و القصص، ص ۳۵۳.

۸۴. تاریخ طبرستان، ص ۱۸۱.

۸۵. تاریخ رویان، ص ۶۳.

۸۶. تاریخ گزیده اشاره‌ای به شکل‌گیری اسماعیلیه در این زمان دارد. (همان، ص ۲۰۱).

۸۷. روضه الصفا، ج ۳، ص ۱۹۳.

۸۸. مناقب الطاهرین، ص ۷۱۲.

۸۹. تاریخ محمدی، ص ۱۳۸.

سوره محمد (ص) که معنای آن چنین است: «آیا اگر به حکومت رسیدید می‌خواهید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاندیتان را ببرید؟» مهدی در همان نیمه شب تصمیم می‌گیرد امام کاظم (ع) را که از چند روز قبل در حبس وی بود آزاد کند. وی امام را احضار می‌نماید و به شرط آن که هیچ‌گاه علیه وی شورش نکند، آزاد سازد. ۹۰

این داستان در دیگر منابع معتبر، با اندکی تفاوت بیان شده است و آن این که مهدی پس از بازداشت امام، در خواب علی بن ابی طالب (ع) را دید که این آیه را به او فرمود: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطَعُوا أَرْحَامُكُمْ» ۹۱ آن گاه فرمان احضار امام را به ربیع داد و پس از حضور امام از حضرت پرسید: «آیا به من اطمینان می‌دهی که علیه من یا یکی از فرزندانم قیام نکنی؟» حضرت فرمودند: «به خدا چنین کاری نکرده‌ام و اصولاً در شأن من نیست.» خلیفه کوشید با دادن سه هزار دینار و تصدیق فرمایش امام، به گونه‌ای با ایشان رفتار کند تا حضرت راضی به مدینه بازگردند و بی‌درنگ آن حضرت را به مدینه بازگرداند. ۹۲

امام آزادی از زندان مهدی را پیش‌بینی کرده و حتی روز آزادی خود را به یکی از یارانش اعلام نموده بود. ۹۳

امام در زمان هادی عباسی و قیام فخر

قیام صاحب فخر یکی از حوادثی است که در زمان امام کاظم (ع) اتفاق افتاد. این قیام به رهبری یکی از علویان به نام حسین بن علی از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) در دوران خلافت هادی عباسی صورت پذیرفت. امام کاظم (ع) نه تنها

در این قیام شرکت نکردند، بلکه شکست و شهادت حتمی رهبر آن را گوشزد نمودند. ۹۴ همان‌گونه که امام پیش‌بینی کرده بودند، قیام به شدت سرکوب شده و حسین صاحب فخر و بسیاری از هم‌زمانانش به شهادت رسیدند. وقتی سرهای شهدای فخر را نزد موسی بن عیسی (نایب خلیفه) آوردند، عده‌ای از علویان و از جمله موسی بن جعفر (علیهما السلام) نیز حضور داشتند.

ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان به همین جلسه اشاره دارد که در آن نایب خلیفه به سرزنش علویان شورشی پرداخته، در مقابل از امام کاظم (ع) تجلیل می‌کند که وی نیز علوی و دارای نهایت فضل و زهد و شرف و ورع است اما از این امور فاصله می‌گیرد. یکی از علویان به نام عبدالله بن حسن بالبداهه به خواندن اشعاری می‌پردازد و سخنان موسی بن

۹۰. تاریخنامه طبری، ص ۱۱۶۸.

۹۱ - محمد (ص)، آیه ۴۷.

۹۲. روضه الصفا، ج ۳، ص ۳۹.

۹۳. همان، ص ۴۰.

۹۴. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص ۳۸۹، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶، به نقل از مقاتل الطالبيين، ص ۲۹۷-۲۹۸.

عیسی در توصیف امام کاظم (ع) را تصدیق می‌کند و در ادامه بیان می‌دارد: «اگر این توصیفات را درباره پدر خود می‌نمودی نه تنها تو را تصدیق نمی‌کردیم بلکه بر هر یک از سخنان صد‌ها اعتراض می‌آوردیم.»^{۹۵}

بعدها آملی نیز به نقل این ماجرا پرداخته است. از آن جا که کتاب ابن اسفندیار، یکی از منابع آملی در تاریخ رویان بوده، می‌توان حدس زد که این مطلب را از تاریخ طبرستان نقل کرده است.

البته باید توجه داشت که این داستان به فرض صحت، نمی‌تواند به معنای دوستی و همراهی امام کاظم (ع) با دستگاه خلافت باشد، بلکه امامان شیعه همگی بر لزوم رعایت تقیه تأکید داشتند و می‌کوشیدند تا تشکل شیعه را به طور پنهانی اداره نمایند. به همین دلیل، از اقدامات علنی علیه دستگاه خلافت دوری می‌کردند و باعث حفظ و استواری شیعه در طول تاریخ شدند. علاوه بر این، قیام

ص: ۳۳۷

فخ مانند بسیاری از قیام‌های معاصرش را زیدی‌ها هدایت می‌کردند و میان شیعه و زیدیه، اختلافات عمیقی به ویژه در مسأله امامت وجود داشت که مانع از پیوستن شیعه به آن‌ها می‌گردید.^{۹۶}

امام در دوران هارون (۱۷۰-۱۹۳ ق) ۹۷

سیزده سال از عمر شریف امام کاظم (ع) تا زمان شهادت (۱۸۳ ق) معاصر هارون بود و در این زمان نسبتاً طولانی، مسائل مختلفی می‌توانست حساسیت هارون را نسبت به امام برانگیزد. در متون مورد بررسی، برخوردهای هارون با امام بیش از سایر خلفا نقل شده و نکات ذیل قابل استفاده است:

هارون به جایگاه والای علمی و معنوی امام در حد زیادی آگاه بود تا آن‌جا که ایشان را شایسته‌ترین مردم بر جانشینی پیامبر اکرم (ص) می‌دانست؛ مانند داستان ملاقات وی با امام در مدینه که مأمون آن را نقل کرده است.^{۹۸}

وحشت هارون از زیادی شیعیان آن حضرت و قیام آن‌ها بر ضد دستگاه خلافت. در ادامه همان داستان،^{۹۹} هارون در پاسخ به سؤال مأمون که از کمی عطای وی به امام شگفت‌زده شده بود گفت: «اگر او را مال موفور دهم، به چه ایمن باشم؟ فردا با صد هزار شمشیر از آن شیعه و موالی خود روی به من نهند و درویشی اوست که ما را و شما را سلامت دارد از دستبرد ایشان.»^{۱۰۰}

۹۵. ص ۲۰۲-۲۰۳؛ تاریخ رویان، ۶۳-۶۴.

۹۶. نک: حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۸۹.

۹۷. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۱۳، مؤسسه تحقیقاتی امام صادق، ۱۳۷۲.

۹۸. تاریخ طبرستان؛ تاریخ رویان؛ روضه الصفا، ج ۳، ص ۴۰؛ مناقب الطاهرین، ص ۷۵۴.

۹۹. تاریخ طبرستان، تاریخ رویان، مناقب الطاهرین، ص ۷۵۳-۷۵۴.

۱۰۰. تاریخ رویان، ص ۸۳.

امام کاظم (ع) از جهات مختلفی مورد حسادت هارون بود. وجود رابطه نسبی

ص: ۳۳۸

نزدیک بین امام کاظم (ع) و پیامبر اکرم (ص) و نیز جایگاه والای علمی و اجتماعی ایشان، حسادت همراه با خشم هارون را به دنبال داشت. وقتی امام کاظم (ع) رسول خدا (ص) را با بیان «السلام علیک یا ابه» خطاب کردند، بر هارون بسیار گران آمد ۱۰۱ یک بار وقتی امام بر سر قبر رسول خدا (ص) مشغول نماز بودند هارون بلافاصله دستور دستگیری ایشان را صادر کرد و مأموران حتی اجازه تمام شدن نماز را به حضرت ندادند و به دستور هارون امام را به بصره بردند و به مدت یک سال نزد عیسی بن جعفر بن منصور محبوس بودند. ۱۰۲ یکی از سؤالاتی که هارون از امام پرسید، این بود که چرا اهل بیت خود را فرزندان رسول خدا (ص) می دانند؟ ۱۰۳

سعی هارون بر تخریب شخصیت و پایین آوردن جایگاه امام در میان مردم. داستان ساحر و امام کاظم (ع) که در فصل قبل به آن اشاره شد. ۱۰۴

زیر نظر گرفتن امام و محبوس کردن آن حضرت به مدت طولانی؛ ۱۰۵ هر چند برخی معتقدند امام در زندان محبوس نبودند، بلکه هارون از ترس شیعیان آن حضرت را در خانه ای جای داده و ایشان را زیر نظر داشت و از شکنجه و آزار ایشان خودداری می کرد. ۱۰۶

شکنجه و آزار امام (ع) در زندان. ۱۰۷

به شهادت رساندن آن حضرت. ۱۰۸

ص: ۳۳۹

رابطه امام و شیعیان

۱۰۱. مناقب الطاهرین، ص ۷۴۰.

۱۰۲. راحه الارواح، ص ۲۱۹.

۱۰۳. نزه الکرام، ص ۷۶۷-۷۶۸.

۱۰۴. مناقب الطاهرین، ص ۷۰۹؛ راحه الارواح، ص ۲۱۵.

۱۰۵. راحه الارواح؛ ص ۲۱۹-۲۲۰.

۱۰۶. تاریخ رویان، ص ۸۰.

۱۰۷. راحه الارواح، ص ۲۲۰. مناقب الطاهرین، ص ۷۵۱، ص ۷۵۳-۷۵۴.

۱۰۸. در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

امام کاظم (ع) با شیعیان، رابطه‌ای دوسویه و متقابل داشتند و این از خلال مطالب متون مورد بررسی به راحتی درک می‌شود. مسأله امامت یکی از مسائلی است که امامان و شیعیان به آن توجه داشته‌اند. هر امام وظیفه داشت امام پس از خود را با رعایت اصول امنیتی، به یاران خاص و شیعیان واقعی معرفی فرماید. در این زمینه، چندین روایت نقل شده که امام صادق (ع) فرزندش امام کاظم (ع) را پس از خود معرفی کردند. ۱۰۹ ایشان حتی به یکی از یاران نزدیک فرمان می‌دهد که به امام کاظم (ع) که در آن زمان در مهد بودند، سلام کند و به این ترتیب وی به هم‌صحبتی جانشین امام صادق (ع) نایل آمد. ۱۱۰ و به امامت ایشان یقین حاصل کرد. خود امام نیز برای کامل شدن یقین شیعیان، خبرهایی از غیب می‌دادند؛ مانند پاسخ به سؤالات بدون باز کردن نامه‌ها، خبر از نیات و افکار افراد و ... ۱۱۱ هرچند با آغاز امامت امام کاظم (ع) انشعابات زیادی در شیعه به وجود آمد، با اثبات امامت ایشان کم‌کم دیگر فرق رونق خود را از دست دادند و روی به اضمحلال نهادند و بر تعداد شیعیان افزوده شد. همین امر، باعث نگرانی و اضطراب خلفای عباسی به ویژه هارون شد. ۱۱۲ امام مرجع مراجعات شیعیان بودند و نمایندگانی از جانب پیروان آن حضرت با تحمل سختی‌ها و خطرات احتمالی، به حضور حضرت می‌رسیدند و سؤالات خود را از ایشان می‌پرسیدند و نیز به پرداخت وجوه شرعی خود مبادرت می‌نمودند. ۱۱۳

ص: ۳۴۰

برخی از یاران امام کاظم (ع) مانند علی بن یقطین، با حفظ تقیه و گویا بنا به مصالحی، وارد دستگاه خلافت شدند و البته در ارتباط مستقیم با امام کاظم (ع) بودند و امام نیز برای محفوظ ماندن جان آن‌ها، راه‌کارهایی می‌دادند. ۱۱۴

شهادت

سال شهادت آن حضرت را ۱۸۳ قمری ۱۱۵ دانسته‌اند، مصادف با پنجم، ۱۱۶ هفتم، ۱۱۷ دهم ۱۱۸ یا بیست و پنجم ۱۱۹ رجب یا چهاردهم ماه صفر. ۱۲۰ شاید بیست و پنجم رجب به واقع نزدیک‌تر باشد، زیرا شیخ صدوق نیز بر همین تاریخ تأکید دارد. ۱۲۱

۱۰۹. راحه الارواح، ۲۱۹.

۱۱۰. مناقب ص ۲۱۴، نزهه الکرام، ص ۷۵۵.

۱۱۱. مناقب الطاهرین، ص ۷۱۳-۷۱۴؛ راحه الارواح، ۲۱۷.

۱۱۲. راحه الارواح، ص ۲۱۹؛ نزهه الکرام، ۷۷۴.

۱۱۳. مناقب الطاهرین، ص ۷۱۳-۷۲۰.

۱۱۴. راحه الارواح، ص ۲۱۵-۲۱۶؛ مناقب الطاهرین، ص ۷۲۶-۷۲۷.

۱۱۵. این تاریخ مورد اتفاق همه متون است؛ فقط در مجمل التواریخ سال ۱۸۷ و در تاریخ محمدی سال ۱۸۸ قمری ذکر شده است.

۱۱۶. تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۱۱۷. تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار، ص ۱۶۸.

اما درباره نحوه شهادت ایشان اقوال مختلف است: برخی معتقدند که یحیی بن خالد برمکی ۱۲۲ یا سندی بن شاهک ۱۲۳ به دستور هارون الرشید آن حضرت را مسموم کرد و به شهادت رساند. ۱۲۴ البته هر دو نفر قابل جمع هستند و با توجه به شواهدی که از دشمنی‌های یحیی بن خالد با امام کاظم (ع) ۱۲۵ در دست است، می‌توان گفت وی خواسته هارون را توسط سندی بن شاهک به انجام رساند. ۱۲۶

ص: ۳۴۱

برخی دیگر معتقدند که به فرمان هارون، سرب گداخته در حلق ایشان ریختند. ۱۲۷ طبری چندین روایت درباره شهادت حضرت نقل کرده است. از جمله آن که هارون وقتی دانست که شیعه، موسی بن جعفر (علیهما السلام) را امام خود می‌دانند بیست عدد خرما را مسموم ساخت و برای ایشان فرستاد و ایشان را سوگند داد که آن‌ها را میل کند. وی در جای دیگر فضل بن یحیی برمکی را عامل مسموم کردن حضرت معرفی می‌کند. ۱۲۸

برخی نیز معتقدند که امام موسی کاظم (ع) شهید نشده، بلکه به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. ۱۲۹

ماجرای پس از شهادت

بدن حضرت را پس از شهادت در بازار بغداد ۱۳۰ به نام «سوق الریاحین» ۱۳۱ در معرض دید همگان قرار دادند و مردم را برای دیدن جنازه ایشان فرا خواندند. ۱۳۲ منظور هارون از این کار، این بود که مرگ حضرت را طبیعی جلوه دهد.

۱۱۸. تاریخ محمدی، ص ۱۳۹.

۱۱۹. تاریخ بناکتی، ص ۱۱۴.

۱۲۰. تاریخ گزیده، ص ۲۰۴؛ ظفرنامه، ص ۸۵.

۱۲۱. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۰۵، به نقل از عیون اخبار الرضا؛ ج ۱، ص ۱۰۴.

۱۲۲. مناقب الطاهرین، ص ۷۴۶.

۱۲۳. تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار، ص ۱۶۸؛ تاریخ محمدی، ص ۱۳۹؛ مناقب الطاهرین، ص ۷۴۳.

۱۲۴. مجمل التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ نزه الکرام و بستان العوام، ص ۷۷۴. خوارزمی و سیدظهیرالدین نیز فقط به شهادت حضرت اشاره کرده‌اند نه نحوه آن.

۱۲۵. مناقب الطاهرین، ص ۷۴۶-۷۴۸.

۱۲۶. روضه الصفا، ص ۴۰.

۱۲۷. تاریخ گزیده، ص ۲۰۴؛ ظفرنامه، ص ۸۴؛ مستوفی اعتقاد شیعه را بر این می‌داند؛ تاریخ رویان، ص ۸۰.

۱۲۸. مناقب الطاهرین.

۱۲۹. تاریخ بناکتی، ص ۱۱۴؛ تاریخ گزیده، ص ۲۰۴؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹؛ ظفرنامه، ص ۸۵.

وی حتی از علما و قضات بر این امر امضا گرفت و کسانی را که حاضر به امضا نشدند شکنجه و اذیت کرد. ۱۳۳ علت این که هارون نمی‌خواست شهادت امام کاظم (ع) را آشکارا بر عهده بگیرد، ترس از مسلمانان و به ویژه شیعیان و زیاده‌روی آن‌ها بود. ۱۳۴

ص: ۳۴۲

یکی دیگر از دلایل این کار، آن است که برخی از شیعیان، به مهدویت آن حضرت معتقد بودند و یا احتمال داشت به مهدویت او اعتقاد پیدا کنند. ۱۳۵ یحیی بن خالد برمکی دستور داد جنازه حضرت را در معرض دید همگان قرار داده، فریاد بزنند: «این موسی بن جعفر است که رافضه معتقدند او نمرده است.» ۱۳۶ او به این وسیله می‌خواست تا همگان به وفات ایشان یقین کنند.

طبری این ماجرا را با اندکی تفاوت این گونه بیان کرده که سندی بن شاهک پس از مسموم ساختن حضرت، هشتاد نفر از اعیان را جمع نمود و در سرایی برد که امام در آن جا محبوس بودند و گفت: «بدانید که امیر خیر خواست و ما او را احترام کردیم و جای فراخ دادیم. بنگرید وی به مرگ خویش می‌میرد!» حضرت فرمود: «توسعه جا راست است اما در نه خرما مرا زهر دادند و فردا یا پس فردا بمیرم.» ۱۳۷

غسل حضرت توسط امام رضا (ع): یکی از یاران امام کاظم (ع) به نقل روایتی از ایشان می‌پردازد که در آن امام کاظم (ع) بیان می‌دارد: «هر چند در ظاهر سندی بن شاهک متصدی غسل دادن من می‌شود، در واقع این کار توسط امام بعد از من علی‌الرضا (ع) انجام می‌گیرد.» آن فرد به هنگام غسل دادن، مشاهده کرد که سندی مشغول غسل امام (ع) بود اما دست او به امام نمی‌رسید و علی بن موسی مشغول غسل دادن پدر بودند. ۱۳۸

مدفن

۱۳۰. تاریخ رویان، ص ۸۰.

۱۳۱. تاریخ طبرستان رویان و مازندران، ص ۱۲۷.

۱۳۲. مناقب الطاهرین؛ راحة الارواح؛ تاریخ رویان؛ تاریخ طبرستان رویان و مازندران، ص ۱۲۷.

۱۳۳. تاریخ رویان؛ تاریخ طبرستان رویان و مازندران، ص ۱۲۷.

۱۳۴. تاریخ رویان، ص ۸۰.

۱۳۵. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص ۴۰۵؛ به نقل از کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۳۴.

۱۳۶. راحة الارواح، ص ۲۲۰.

۱۳۷. مناقب الطاهرین، ص ۷۴۳.

۱۳۸. راحة الارواح، ص ۲۲۰.

مدفن ایشان درجانب غربی ۱۳۹ شهر بغداد در محله کرخ واقع شده ۱۴۰ که مقابر

ص: ۳۴۳

قریش در آن قرار داشت. ۱۴۱ این محل به واسطه امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و بعدها عمادالدوله دیلمی بر مزار ایشان عمارتی زیبا ساخت ۱۴۲ و با توسعه یافتن محل در زمان مستوفی خود به شهری کوچک بدل شد. ۱۴۳

عمر

عمر آن حضرت ۱۴۴، ۵۱ ۱۴۵، ۵۴ ۱۴۶، ۵۵ یا ۱۴۷، ۵۹ سال ذکر شده است. البته با توجه به رأی اکثریت در تاریخ تولد (۱۲۸ ق)، و تاریخ شهادت (۱۸۳ ق) طول عمر ایشان ۵۵ سال محاسبه می شود.

فرزندان

تعداد فرزندان آن حضرت را ۱۴۸، ۳۷ ۱۴۹، ۳۸ ۱۵۰، ۴۰ ۱۵۱، ۴۷ و ۱۵۲، ۵۹ دانسته اند.

۱۳۹. تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۱۴۰. تاریخ گزیده، ص ۲۰۴. ظفرنامه؛ ص ۸۴. نزه القلوب، ص ۷۴.

۱۴۱. تاریخ محمدی، ص ۱۳۷. مجمل التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹؛ مناقب الطاهرینص ۷۵۷. در خصوص مدفن حضرت اتفاق نظر است.

۱۴۲. تاریخ گزیده، ص ۲۰۴

۱۴۳. نزه القلوب، ص ۷۴؛ ظفرنامه، ۸۴.

۱۴۴. تاریخ بناکتی، ص ۱۱۳.

۱۴۵. مجمل التواریخ و القصص، ص ۳۵۳؛ تاریخ محمدی، ۱۳۸؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۱۴۶. مناقب الطاهرین؛ تاریخ گزیده، ص ۲۰۴؛ ظفرنامه، ص ۸۴؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۱۴۷. تحفه الابرار فی مناقب الائمة الاطهار، ص ۱۶۸.

۱۴۸. تاریخ محمدی، ص ۱۳۹؛ تاریخ بناکتی، ص ۱۱۴؛ مناقب الطاهرین، ص ۷۳۳.

۱۴۹. مجمل التواریخ و القصص؛ تحفه الابرار فی مناقب الائمة الاطهار.

۱۵۰. تاریخ قم، ص ۵۰۹.

۱۵۱. تاریخ گزیده، ص ۲۰۴.

۱۵۲. ظفر نامه، ص ۸۵.

در مجموع می‌توان گفت: امام کاظم (ع) دارای پسران و دختران بسیاری بوده‌اند که نام آن‌ها و برخی سجایای اخلاقی و مدفن آن‌ها نیز در منابع ذکر شده

ص: ۳۴۴

است. ۱۵۳ معروف‌ترین آن‌ها از پسران امام علی بن موسی الرضا (ع) ۱۵۴ و از دختران ستی فاطمه (علیها السلام) در قم است. ۱۵۵

کرامات

قسمت عمده کرامات آن حضرت در کتبی نقل شده که در موضوع امامت است. کتاب‌های مانند راحه الارواح، مناقب الطاهرین و کتاب نزهه الکرام. این کرامات را در چند دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

۱. زنده کردن مردگان به اذن خدا: زنده کردن گاو بیوه زن ۱۵۶ و زنده کردن مرکب مرد مغربی که در مسیر حج مرده بود. ۱۵۷

مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام؛ ج ۲؛ ص ۳۴۴

۲. سخن گفتن با حیوانات: شیری به خدمت امام آمد و حضرت دعا کردند که حمل بر جفتش آسان گردد. ۱۵۸

۳. طی الارض: حضرت یکی از زندانیان را به وسیله طی الارض به دیدار خانواده‌اش در مدینه بردند و حاضر شدن امام بر جنازه زنی به نام شطیطه با دوری مسافت. ۱۵۹

۴. بهره‌مندی از علم وافر در کودکی: پاسخ گفتن به سؤالات ابوحنیفه در کودکی. ۱۶۰

۱۵۳. مناقب الطاهرین، ص ۷۳۳-۷۳۴؛ تاریخ قم، ص ۵۰۹؛ تاریخ گزیده، ص ۲۰۲.

۱۵۴. راحه الارواح، ص ۲۲۰، ظفرنامه، ۸۴.

۱۵۵. ظفرنامه، ص ۸۴.

۱۵۶. مناقب الطاهرین، ص ۷۱۲.

۱۵۷. همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام (۱۳۹۲: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، ۲ جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۲ ه.ش.

۱۵۸. همان.

۱۵۹. همان، ص ۷۲۱.

۱۶۰. نزهه الکرام و بستان العوام، ص ۷۶۵-۷۶۶؛ مناقب الطاهرین، ص ۷۴۱-۷۴۲.

۵. جان گرفتن جمادات به اشاره حضرت: بلعیده شدن ساحر هارون به

ص: ۳۴۵

اشاره حضرت توسط نقش شیری که بر پرده بود. ۱۶۱ و نیز افعی شدن عصای حضرت در مقابل هارون. ۱۶۲

۶. دفاع حیوانات از ایشان: ظاهر شدن شیرها برای دفاع از حضرت در مقابل فرستادگان هارون که قصد کشتن ایشان را داشتند. ۱۶۳

۷. سخن گفتن در مهد: امام کاظم (ع) در زمانی که در مهد بودند با یکی از یاران پدر هم صحبت شدند و از او خواستند تا نام دخترش را عوض نماید. ۱۶۴

۸. نسوختن در آتش: امام کاظم (ع) در مقابل یکی از برادران که دعوی امامت داشت، دست خود را در آتش فرو بردند و به سلامت خارج کردند و از او خواستند که او هم چنین کند؛ اگر امام باشد دستش در آتش نخواهد سوخت. ۱۶۵

۹. توانایی بر عبادات طولانی: ایشان می توانستند تمام طول شبانه روز را مشغول نماز و رکوع و سجود باشند، بدون این که به خواب روند یا نیازمند تجدید وضو باشند. ۱۶۶

۱۰. معجزاتی که شقیق در طول سفر حج از آن حضرت مشاهده کرده که تلفیقی از موارد ذکر شده مانند عبادات، طی الارض، خبر از نیات و افکار مردم، و ... است. ۱۶۷

ص: ۳۴۶

صرف نظر از تاریخنامه طبری که ذیل حوادث دوران مهدی عباسی طی داستانی از امام کاظم (ع) یاد کرده، ائمه نگاری در متون کهن فارسی با نگارش کتاب مجمل التواریخ و القصص در قرن پنجم و ششم هجری آغاز شد.

پرداختن به زندگی امامان در متون فارسی در مقایسه با متون عربی، با تأخیر چشم گیر انجام گردید، اما در ادامه با روند رو به رشد و صعودی در سده های بعد همراه بود تا جایی که در قرون بعد، کتاب های مستقلی درباره امامان و فضایل آنها شیعیان به رشته ی تحریر درآمد که از جامعیت و گستردگی خوبی نسبت به آثار پیشین برخوردارند.

۱۶۱. مناقب الطاهرین، ص ۷۰۹.

۱۶۲. راحه الارواح، ص ۲۱۵.

۱۶۳. همان، ص ۲۱۴.

۱۶۴. نزه الکرام، ص ۷۵۵.

۱۶۵. راحه الارواح، ص ۲۱۴.

۱۶۶. مناقب الطاهرین، ص ۷۱۰؛ راحه الارواح، ص ۲۱۰.

۱۶۷. راحه الارواح، ص ۲۱۷-۲۱۸.

از بررسی متون کهن فارسی نکات زیر استفاده می‌شود:

شرح زندگانی امامان را نه فقط در کتب تاریخی می‌توان جست‌وجو کرد، بلکه در سایر متون با موضوعاتی چون انساب، کلام، مناقب و فضایل، جغرافیا و ... ذکر امامان (ع) آمده؛ هرچند تعداد متون تاریخی که به این امر پرداخته‌اند بیش‌تر است. مجمل التواریخ و القصص، تاریخ بناکتی، تاریخ طبرستان، تاریخ رویان، ظفرنامه، تاریخ گزیده، تاریخنامه طبری، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تاریخ قم و تاریخ روضه‌الصفاء، همه متون تاریخی و حاوی مطالبی در مورد امام کاظم (ع) هستند.

از مهم‌ترین نقاط ضعف در متون کهن فارسی، ارجاع ندادن مطالب به طور مشخص است. بسیاری از نویسندگان فارسی‌زبان در ابتدای کتاب، توضیحی در مورد منابع مورد استفاده خود داده‌اند اما در متن، سند مطالب را نیاورده‌اند.

پرداختن به زندگی امامان، تنها مختص شیعیان نبوده بلکه بسیاری از نویسندگانی که در این عرصه قلم زده‌اند غیرشیعه‌اند؛ مانند مستوفی که امامان را حجت خدا بر خلق و شایسته خلافت و جانشینی رسول خدا (ص) می‌داند و با صراحت به مقام عصمت ایشان معترف است. دیگر نویسندگان سنی مذهب هم

ص: ۳۴۷

گاه در ذیل فرزندان حضرت علی (ع) و گاه در ادامه شرح حال خلفا، از امامان یاد نموده و با بیان جملات دعایی «رضی الله عنه» و یا «علیه السلام»، به ایشان ادای احترام کرده‌اند.

تفاوت‌هایی بین آثار شیعی و آثار اهل سنت موجود است؛ مثلاً در کتب شیعه مانند مناقب الطاهرین و نیز راحه الارواح، معجزات و خوارق عادت بسیاری از آن حضرت نقل گردیده در حالی که در منابع اهل سنت، فقط به ذکر چند نمونه مختصر اکتفا شده است. نیز بیش‌تر نویسندگان اهل سنت، معتقدند که حضرت به شهادت نرسیده بلکه به اجل طبیعی از دنیا رفته، در حالی که اکثر نویسندگان شیعه، معتقدند حضرت به دستور هارون مسموم و شهید شده‌اند.

در مورد بسیاری از اطلاعات مانند نام، کنیه، نام پدر، محل تولد، تاریخ تولد، تاریخ شهادت، مدفن، نام مادر و مدت امامت آن حضرت اختلاف چندانی دیده نمی‌شود و اکثر منابع، صرف نظر از روز و ماه، در سال آن‌ها مشترکند.

مطالب موجود در متون کهن فارسی، در بسیاری موارد مکمل هم هستند و تضاد چندانی در آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

منابع

۱. آملی، اولیاءالله، تاریخ رویان، بنیاد فرهنگ ایران، تهران: ۱۳۴۸ ق.

۲. ابن عنبه، الفصول الفخریه، با تصحیح سیدجلال الدین محدث ارموی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.

۳. ابن مهلب بن شادی، مجمل التواریخ و القصص، تصحیح نجم‌الدین سیف‌آبادی، آلمان، دوهومونده نیکارهوژن، ۲۰۰۰.

۴. اشعری، حسن بن مالک، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح از

ص: ۳۴۸

محمدرضا انصاری، کتابخانه مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ق.

۵. بلعمی، ابوعلی، تاریخنامه طبری، ج ۴، با تصحیح محمد روشن، تهران: سروش - البرز، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ق.

۶. بناکتی، داوود بن ابوالفضل، تاریخ بناکتی، تصحیح جعفر شعار، انجمن آثار ملی، تهران: ۱۳۴۸ ق.

۷. رازی، جمال الدین مرتضی محمد بن حسین، نزهه الکرام و بستان العوام، تصحیح محمد شیروانی، چاپخانه میهن، ۱۳۶۲.

۸. رسایل خوارزمی، با تصحیح محمد مهدی پورگل، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.

۹. رسول، جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۶ ق.

۱۰. شیعی، حسن بن حسین، راحه الارواح و مونس الاشباح، تصحیح حسین درگاهی، معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.

۱۱. طبری، عمادالدین حسن بن علی، تحفه الابرار فی مناقب الائمة الاطهار، تصحیح سیدمهدی جهرمی، نشر میراث مکتوب.

۱۲. طبری، عمادالدین، مناقب الطاهرین، تحقیق حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.

۱۳. قمی، شیخ عباس، الفوائد الرضویه، تصحیح ناصر باقری بیدهندی، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

۱۴. کاتب، بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ۱۳۶۶، چاپ دوم.

۱۵. کاشی، مولانا حسن، تاریخ محمدی، به اهتمام رسول جعفریان، بی جا، بی تا.

۱۶. مرعشی، سیدظہیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تصحیح سیدمحمد حسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵ ق.

۱۷. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ق.

ص: ۳۴۹

۱۸. مستوفی، حمدالله، ظفرنامه، قسم الاسلامیه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.

۱۹. مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، با تصحیح محمد دبیر سیاقی، حدیث امروز، دی ماه ۱۳۸۱.

۲۰. میر خواند، تاریخ روضه الصفا، بی نا، بی تا، بی جا. ۱۶۸

ص: ۳۵۰